

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۸۲

جمعه ۶ مهر ۱۳۹۶، ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۸

اعتراض رانندگان کامیون یک حرکت قدرتمند و شورانگیز

شهلا دانشفر

اعتصاب گسترده رانندگان کامیون نمونه شورانگیزی از اعتصابات سراسری است که دامنه اش به بیش از ۲۰۰ شهر کشیده شده است. ابعاد وسیع این اعتصاب، سازمانیافتگی آن، فضای اتحاد و همبستگی ای که بر آن حاکم است، خواستههای روشنی که رانندگان بر آن پافشاری میکنند، تاکید اعتصابیون بر اتحاد کارگران و معلمان و رانندگان، و ایستادگی رانندگان اعتصابی در برابر فشارها و تهدیدات حکومت، و بسیاری خصوصیات دیگر این حرکت را به حرکتی بی سابقه، آموزنده و رادیکال تبدیل میکند که باید وسیعا آترا مورد پشتیبانی قرار داد.

رانندگان کامیون در بیانیه اولین روز اعتصابشان در اول مهر ماه بر هفده خواست فوری شان تاکید کرده و هدف خود را پایان دادن به این بساط ظلم و نابرابری در جامعه اعلام کرده اند و این خود حلقه کلیدی است که مبارزات آنان را به مبارزات کل جامعه علیه کل بساط توحش و بردگی سرمایه داری حاکم وصل میکنند. پلاکارد و پارچه نوشته های روی کامیون های رانندگان اعتصابی که بر روی آن نوشته شده است، "گرانی لاستیک و شهریه مدرسه"، "راننده خسته و معلم ورشکسته"، "راننده، کارگر، معلم، اتحاد، اعتصاب" به روشنی این همبستگی مبارزاتی را بیان می خواهد و فراخوانی شورانگیز از سوی آنها به کل جامعه برای رفتن بسوی اعتصابات سراسری و جارو کردن کل این بساط ستم و نابرابری است.

به عبارت روشنتر اعتراض رانندگان کامیون به گرانی و دستمزدهای ناچیز زیر خط فقر و اعتراض به اختلاسها و تبعیض و نابرابری است. اعتراض آنان به بیکاری، نداشتن امنیت شغلی و پرداخت نشدن بوقع حقوقها است. اعتراض آنان به نا امن بودن جاده ها که هر روز قربانی میگردد و ایمنی شرایط کاری شان است. آنها به نداشتن حق ایجاد تشکل و سندیکایهای کارگری و به وعده های توخالی مسئولین معترضند.

همانطور که اشاره کردم اینها همه



گرامی باد یاد کارگر کمونیست محمد جراحی



یک سال پیش روز ۱۳ مهرماه سال ۹۶ محمد جراحی بعد از تحمل سالها بیماری سرطان برای همیشه ما را ترک کرد. محمد جراحی را همچون شاهرخ زمانی دوست نزدیکش، در واقع جمهوری اسلامی کشت، او را در شرایط نامناسب بهداشتی بیش از ۵ سال در زندان نگه داشتند. محمد به بیماری سرطان تیروئید مبتلا شد و بیماریش خیلی زود اوج گرفت. مقامات زندان عامدانه امکان دسترسی به درمان و دارو را در زندان برای او فراهم نکردند و نهایتا وقتی که بیماریش به حد کشنده رسیده بود صفحه ۱۴

مصاحبه کانال جدید با حمید تقوایی در مورد حمله مسلحانه در اهواز:

باید مقابل تلاشهای سرکوبگرانه و

تفرقه افکنی های قومی- مذهبی حکومت ایستاد صفحه ۳

بازتاب هفته

(زیر نظر کاظم نیکخواه)

حسن صالحی: مزاحمت خیابانی یعنی خشونت علیه زنان

جلیل جلیلی: داعش کوچک علیه داعش بزرگ!

شهاب بهرامی: کشاکش تروریستها

صفحه ۴

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۵

شوراهای کارگری، حزب و قدرت سیاسی

حمید تقوایی

صفحه ۷

در پس جدالهای لفظی بین جمهوری اسلامی و دولت آمریکا

مصاحبه با علی جوادی

صفحه ۶

فرشگرد: جریانی فاشیستی و بی آینده

گفتگوی تلویزیون کانال جدید با کاظم نیکخواه

دلار این هفته رکورد زد

محمد شکوهی

صفحه ۹

اطلاعیه ها:

اطلاعیه در مورد حمله به نیروهای نظامی جمهوری اسلامی در اهواز صفحه ۱۴

اعتصاب رانندگان کامیون به ۲۰۰ شهر گسترش یافت صفحه ۲

سکوت دولتهای اروپایی در رابطه با اعدام رامین حسین پناهی، زانیار و لقمان مرادی محکوم است! صفحه ۱۳

احکام شنیع زندان و جریمه در ازای شلاق برای ۶ نفر از صفحه ۱۳

دستگیر شدگان ۲۰ اردیبهشت صفحه ۱۳

اعتصاب بزرگ رانندگان و کامیونداران و پیوستن رانندگان نفتکش پالایشگاه تبریز صفحه ۱۴

اعتراض رانندگان کامیون یک حرکت قدرتمند و شورانگیز

از صفحه ۱

موضوعات اعتراضات هر روزه بخش‌های مختلف مردم است. یک مثال بارز آن تجمع بازنشستگان در بیستم شهریور در اعتراض به گرانی‌ها است که با شعار خط فقر ۵ میلیون، حقوق ما دو میلیون اعتراض خود را به زندگی زیر خط فقر اعلام داشتند. معلمان نیز برای سیزدهم مهر ماه، روز جهانی معلم اعلام تجمع کرده‌اند و یکی از چالش‌های آنان، اعتراض به فقر معیشتی و گرانی و تورم است. رانندگان کامیون در بیانیه خود بر هفده خواست فوری شان تأکید کرده و هدف خود را پایان دادن به این بساط ظلم و نابرابری در جامعه اعلام کرده‌اند.

رانندگان کامیون در خرداد ماه یعنی حدود سه ماه قبل نیز در حدود ۱۷۰ شهر اعتراضات قدرتمندی برپا کردند و بخش‌های مختلف حمل و نقل در آن شرکت داشتند. اعتراضات آنان با همبستگی وسیعی از سوی مردم روبرو شد. زیر فشار این اعتراضات وعده‌های بسیاری به رانندگان کامیون داده شد. اما هیچ اقدامی در جهت آنها صورت نگرفت. اکنون با عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی حکومت و سقوط ارزش ریال و افزایش سرسام آور قیمت‌ها، مشکلات رانندگان کامیون و کامیونداران به مراتب بیشتر شده است. رانندگان کامیون از اول مهر دور جدیدی از اعتصاباتشان را آغاز کرده و میگویند تا پاسخ نگیرند، به اعتراضشان ادامه خواهند داد.

در این فاصله کوتاه رانندگان کامیون توانسته‌اند موجی از همبستگی را پیرامون خود شکل دهند. از جمله در حمایت از آنها طوفان توییتری به راه افتاده است. تشکلهای مختلف کارگری اخبار آنرا مرتباً پوشش میدهند. انجمن صنفی برق و فلز کار طی بیانیه‌ای حمایت خود را از این اعتصابات اعلام کرده است. همچنین در برخی جاها از جمله در جاده‌ای در شیراز مردم در حمایت از اعتصاب رانندگان اسکوورت تریلی‌هایی که بار میبرند را مورد حمله قرار داده و جلوی حرکت آنان را گرفته‌اند و بسیاری از شرکت‌های مسافربری در جنوب به اعتصاب پیوسته و حرکت ماشین‌هایشان را متوقف کرده‌اند. اعتصاب رانندگان کامیون در عین حال پاسخ درخوری است به حکومتی که با شبهه اینکه میتواند با اعدام و سرکوب جامعه را از خواسته‌های عقب‌بند، فعالین معترض جامعه را احضار و تهدید میکند، برای آنان احکام شلاق و زندان صادر میکند و در جایی مثل کردستان سه فعال سیاسی رامین حسین پناهی و لقمان و زانیار مرادی را اعدام کرد. از همین رو اعتصاب رانندگان کامیون، در ادامه اعتصاب سیاسی سراسری مردم کردستان علیه اعداها و سرکوبگری حکومت اسلامی بیش از هر چیز نشان‌دهنده اوضاع طوفانی جامعه است.

اعتصاب سراسری رانندگان کامیون تأثیر مهمی در تغییر توازن قوای جامعه به سود مبارزات بخش‌های مختلف جامعه داشته و راه را برای رفتن بسوی اعتصابات سراسری در تمام بخش‌های کارگری فراهم‌تر میسازد. به عبارت روشنتر این اعتصابات دست بردن به ابزار اعتصابات سراسری را به عنوان یک راهکار موثر و قدرتمند در برابر همه مردم قرار میدهد.

و خلاصه کلام اینکه اعتصاب رانندگان کامیون در متن پر جنب و جوش اعتراضی کارگری و در فضای پرتلاطم جامعه یک اتفاق سیاسی مهم است و انعکاسی از فضای اعتراض همه مردم علیه جهنم جمهوری اسلامی است. باید وسیعاً از این اعتصاب پشتیبانی کرد. زنده باد رانندگان کامیونها!

اطلاعیه شماره ۳:

اعتصاب رانندگان کامیون
به ۲۰۰ شهر گسترش یافت

امروز ۵ مهر اعتصاب با شکوه و سراسری رانندگان کامیون و کامیونداران وارد پنجمین روز خود شد. این اعتصاب مدام گسترش می‌یابد و تاکنون به ۲۰۰ شهر در ۳۱ استان رسیده است. رانندگان متحدانه ایستاده‌اند و با ابتکارات مختلف برای جلب همبستگی بخش‌های دیگر جامعه تلاش میکنند. پلاکاردها و پارچه‌نوشته‌هایی روی کامیون‌ها نصب شده و روی آنها برای نمونه نوشته شده است "گرانی لاستیک و شهریه مدرسه"، "راننده خسته و معلم ورشکسته"، و همچنین "راننده، کارگر، معلم، اتحاد، اعتصاب". به این ترتیب رانندگان کامیونها معلمان و کارگران و دیگر بخشهای جامعه را به همبستگی فرا میخوانند.

با گسترش مبارزات رانندگان کامیون موجی از همبستگی با این اعتراضات به راه افتاده است. از جمله شب پنجم مهرماه فاصله ساعت ۹ تا ۱۱ شب طوفان توییتری در حمایت از اعتصابات رانندگان کامیون به جریان افتاده است. همچنین امروز ناوگان مسافربری خوزستان در حمایت از اعتصاب سراسری رانندگان ناوگان دست به اعتصاب زدند و کلیه سرویس‌های خود به دیگر استانها را لغو کردند. شرکتهای مسافربری ایران پیم، همسفر، تی‌بی‌تی، رویال سفر و... مستقر در اهواز، آبادان، خرمشهر، ماهشهر، ایذه و دیگر شهرهای استان خوزستان نیز روز چهارم مهرماه در حمایت از اعتصاب رانندگان کامیون غرفه‌های فروش بلیط را تعطیل و سرویسهای خود را لغو کردند.

در مقابل این حرکت با شکوه و گسترده، دست اندرکاران حکومت برای شکستن اعتصاب شروع به تقلا

کرده‌اند و تلاش میکنند برخی را به اعتصاب شکنی تشویق کنند. اما رانندگان کامیون هوشیارانه با آن مقابله میکنند. از جمله از بارگیری تریلی‌ها جلوگیری میکنند. در جاهایی به میان رانندگانی که قصد باززدن دارند میروند و آنها را قانع میکنند که به اعتصاب بپیوندند. پایانه‌های بارگیری از طریق مدیای اجتماعی اعلام میکنند که به دلیل اعتصاب کسی برای بارگیری نیاید.

در جاهایی که تریلی‌های بار با اسکوورت دولتی حرکت میکنند، جلوی آنها را میگیرند و در یک خبر از شیراز از حمله مردم به تانکر و اسکوورت آن توسط حکومت برای جلوگیری از حملات گزارش شده است. و بالاخره اینکه امروز رانندگان اعتصابی کامیون از بندر خمینی با اعلام اینکه کسی نباید اعتصاب است، خبر دادند که ماشین‌ها در بندر ماهشهر تماماً خوابیده‌اند و حتی ماشینهای داخل بندر که داخلی کار میکردند در اعتصابند و درب پایانه بندر امام را بسته‌اند. در همین خبر گفته شده است که چند نفر از رانندگان کامیون توسط یگان حفاظت حکومت بازداشت شدند که با توجه به فضای گسترده اعتراض بلافاصله آزاد شده‌اند.

حکومت شایع کرده است که با قطار و ماشینهای ارتشی و دولتی میخوانند بارها را جابجا کنند و این کاملاً جو سازی و پوشالی است. زیرا خود حمل و نقل بار به قطار نیاز به کامیون دارد. ضمن اینکه ریل بارگیری و مالیات قطار چند برابر مخارج حمل و نقل جاده‌ای است و برایشان بسیار گران تمام میشود. گفته میشود که استانداران در رابطه با چگونگی برخورد با اعتصاب رانندگان جلسه داشته‌اند و قرار شده

است که از کامیون‌های شرکتی برای شکست اعتصاب رانندگان کامیون استفاده کنند. به کلیه شرکت‌های دولتی از جمله شرکت آبادان، شرکت خلیج فارس، جهاد نصر، خط سبز، ایثار گران، توکا، و غیره نامه داده شده است که کامیون‌های خود را جهت حمل بار به بندرعباس اعزام کنند. رانندگان کامیون ضمن انتشار این خبر به همکاران خود هشدار داده‌اند که آماده باشند و مانع تردد کامیونهای شرکتی شوند.

رانندگان کامیون و کامیونداران خواهشهای خود را در ۱۷ بند توضیح داده و محورهای اصلی اعتراضاتشان را اعتراض به گرانی، بیکاری، نداشتن امنیت شغلی، دزدی و چپاول، حقوق‌های ناچیز و تعویق در پرداخت حقوقها، و نداشتن حق ایجاد تشکل و وعده‌های پوچ و توخالی مقامات مسئول اعلام کرده‌اند. و اینها همه محور اعتراضات کل جامعه علیه بساط جهنمی جمهوری اسلامی است. رانندگان کامیون خواستار پایان دادن به کل این بساط ظلم و نابرابری در جامعه شده‌اند.

اعتصاب رانندگان کامیون نمونه شورانگیزی از اعتصابات سراسری است که در حرکتی متحد و قدرتمند به جلو میروند و جنبه وسیعی از همبستگی مبارزاتی را در جامعه شکل میدهد. از این اعتصاب فعالانه حمایت کنیم و صدای آنرا به گوش همه برسانیم. زنده باد رانندگان معترض و حق طلب!

پیش بسوی اعتصابات و اعتراضات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ مهر ۱۳۹۷،
۲۷ سپتامبر ۲۰۱۸

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه انسانی

باید مقابل تلاشهای سرکوبگرانه و تفرقه افکنی های قومی- مذهبی حکومت ایستاد مصاحبه کانال جدید با حمید تقوایی در مورد حمله مسلحانه در اهواز

کیوان جاوید: اطلاعاتیه حزب کمونیست کارگری در مورد حمله مسلحانه در اهواز با افشاگری از جمهوری اسلامی شروع میشود. آیا نمیبایست ابتدا به حمله مسلحانه به نیروهای نظامی رژیم اشاره میشد و این عملیات محکوم میگردد؟

حمید تقوایی: اطلاعاتیه در مورد حمله مسلحانه در اهواز است و به همین مساله پرداخته است. ولی در ابتدا بر این تاکید کرده که رژه نظامی نیروهای نظامی جمهوری اسلامی در واقع بخشی از تاکتیک و سیاست حکومت است برای مرعوب کردن جامعه و برای به رخ کشیدن قدرت رژیم در مقابل مردم معترض. و این نیروها جزئی از دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی هستند. اطلاعاتیه ابتدا باید روشن میکرد که برخلاف تبلیغات حکومت اینطور نیست که در اتفاقی که در اهواز افتاد جمهوری اسلامی قربانی است و تنها نیروی حمله کننده سیاستهای ارتجاعی و تروریستی داشته است. باید تاکید میشد که نیروهای نظامی جمهوری اسلامی و فعالیتهایی نظیر رژه آنها در شهرها نهادها و اقداماتی کاملاً ضد مردمی و ارتجاعی و در راستای قدرتمندی رژیم علیه مردم معترضی است که در همه شهرها پیاخاسته اند. بعد از اعلام این واقعیت اطلاعاتیه توضیح میدهد که این حرکت به مردم ربطی ندارد و تماماً در مقابل مبارزات آنها است. لازم بود اطلاعاتیه جایگاه واقعی هر دو طرف را در این حمله نشان بدهد و افشا کند.

کیوان جاوید: ولی تمام دولتها این واقعه را بعنوان يك حمله تروریستی محکوم کردند. اطلاعاتیه حزب بعنوان يك حمله نظامی از این یاد میکند. آیا آگاهانه و تعمداً از تروریستی خواندن این حمله احتراز شده؟

حمید تقوایی: اصطلاح حمله تروریستی را هم جمهوری اسلامی

به کار برده است و هم دولتها. بر دولتها و بر خود جمهوری اسلامی حرجی نیست. دولتهائی که تا کنون يك کلام از فعالیتهاى تروریستی جمهوری اسلامی بخصوص در خود ایران، نظیر اعدامها و دیگر جنایات و سرکوبگریهای علیه بخشهای مختلف جامعه، حرفی زده اند و یا خیلی با اغماض و با زبانی دیپلماتیک اعتراضی کرده اند، در این تردیدی بخود راه نداند که حمله به نیروهای سرکوبگر رژیم را حمله ای تروریستی بنامند. به نظر ما حمله به سپاه و بسیج و ارتش و سایر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی عملیاتی تروریستی نیست. ممکن است گروههای حمله کننده سابقه تروریستی داشته باشند و تروریست باشند، کما اینکه داعش که مسئولیت این عملیات را بعهدہ گرفته يك گروه تروریست آدمکش و جنایتکار است، ولی جمهوری اسلامی هم خودش داعشی است که در ایران حکومت میکند. نمیتوان و نباید حمله به نیروهای نظامی حکومتی مثل جمهوری اسلامی را تروریسم نامید. این موضع خود حکومت و دولتهائی است که از آن حمایت میکنند و یا با آن روابط دیپلماتیک و تجاری دارند. قصد رژیم و حامیانش اینست که جمهوری اسلامی را قربانی جلوه بدهند و حمایت افکار عمومی را جلب کنند ولی اگر بحث بر سر تروریسم است جمهوری اسلامی خودش منشا و ستون فقرات تروریسم هم در جامعه ایران است و هم در منطقه و حمله به نیروی نظامی چنین حکومتی را نمیشود با هیچ توضیح و توجیهی تروریسم نامید.

کیوان جاوید: علاوه بر داعش گروهی بنام الاحواز هم مسئولیت این حمله مسلحانه را بعهدہ گرفته است. اطلاعاتیه حزب میگوید مسئول این حمله هر که باشد این واقعه به قوم پرستی و تفرقه افکنی

دامن زدن به تفرقه افکنی و نفرت پراکنی های قومی. مذهبی پیدا میکنند.

به این دلایل است که اطلاعاتیه حزب تاکید میکند که این حرکت به نفع نیروهای قومی- مذهبی چه داعش، چه الاحواز و چه خود جمهوری اسلامی که يك حکومت مذهبی و ارتجاعی هست تمام میشود.

کیوان جاوید: چطور ممکن است جمهوری اسلامی که در این واقعه این چنین مورد حمله قرار گرفته است و میشود ضعف حکومت را در این واقعه دید از این اتفاق سود ببرد؟ بعضاً مردم از این واقعه خوشحال شده اند. چطور میتواند دولتی مثل جمهوری اسلامی از این حمله خوشحال باشد و بقول اطلاعاتیه حزب آنرا يك "مانده آسمانی" بداند؟ حمید تقوایی: بحث این نیست که جمهوری اسلامی از این واقعه استقبال میکند و یا خوشحال است و یا دوست داشته چنین اتفاقی بیافتد. بحث اینست که به هر دلیل و از جانب هر کس این حمله مسلحانه صورت گرفته باشد عملاً میتواند باصطلاح آب به آسياب حکومت بریزد. حکومت میتواند از این واقعه به دلایل و در جهتی که گفتم استفاده کند. جمهوری اسلامی تلاش خواهد کرد- بر کلمه تلاش تاکید میکنم- که از این واقعه به نفع خودش استفاده کند. اینکه عملاً چقدر موفق میشود و تلاشهایش چقدر به نتیجه میرسد بحث دیگری است. در اطلاعاتیه گفته شده که بر زمینه اعتراضات و مبارزات توده ای که از هر طرف جمهوری اسلامی را محاصره کرده است، این تلاشها بجائی نخواهد رسید. ولی در هر حال حکومت خواهد کوشید بدنبال این واقعه دوباره بر تفرقه افکنی قومی بین عرب و فارس و نفرت پراکنی مذهبی - چون تقسیمبندی سنی و شعیه هم در مورد اهواز و خوزستان مطرح است- دامن بزند و از سوی دیگر به بهانه این حادثه بگیرد و ببند و سرکوبگریهایش را گسترش بدهد. با این توجیه که نیروهای مسلح به حکومت حمله کرده اند. میدانید این خط قرمزی است که در قاموس هیچ دولتی حتی طرفداران

حقوق بشر نیز پذیرفته نیست. این کاملاً عادى و طبیعى به نظر میرسد که حکومتی نیروهای اپوزیسیونی که به ارتش اش حمله کرده اند را سرکوب کند. در این چهارچوب است که جمهوری اسلامی تلاش میکند از این واقعه به نفع خود استفاده کند.

اما جنبه دیگر واقعیت اینست که مبارزات توده مردم که تمام شهرها را از تهران و قم و مشهد و سنجند و شیراز و اصفهان بسیاری از شهرهای دیگر از جمله اهواز و شهرهای خوزستان را که در همین چند ماه اخیر مبارزات وسیعی داشتند در بر گرفته است رژیم را از هر طرف در محاصره قرار داده و حکومت به هر بهانه و دستاویزی متشبث میشود که این شرایط را عوض کند. و لاقلاً طور دیگری جلوه بدهد. الان حکومت میتواند اینطور ادعا کند که نیروهای مخالف او تروریستهای نظیر داعش و یا الاحواز تجزیه طلب هستند، اینها امنیت ملی را به خطر میاندازند و اگر قدرت بگیرند ایران سوریه میشود و غیره و غیره. این نوع تبلیغات را این حرکت میتواند دامن بزند ولی همانطور که گفتم فکر نمیکنم این تلاشها بجائی برسد چون مبارزات مردم بسیار پیشرفته تر و مترقی تر و تعرضی تر و رژیم رسواتر از آن است که این نوع تبلیغات تأثیری داشته باشد.

کیوان جاوید: مردم خوزستان بطور اخض و مردم سراسر ایران در قبال این نوع تحركات که میتوانند به مبارزه شان ضربه بزند چه وظایف ویژه ای دارند؟

حمید تقوایی: قبل از هر چیز اتحاد و همبستگی. مردم باید مستقل از اینکه چه مذهبی به آنها الصاق شده و یا چه قومیت و ملیتی را بر پیشانی نشان حك کرده اند در کنار هم و در حمایت از مبارزات یکدیگر همبسته و پیوسته به میدان بیایند. امروز اعتراضات گسترده ای در شهرهای ایران در جریان است. بخشهای مختلف جامعه اعم از کارگران، معلمان و بازنشستگان و زنان و مالباختگان و خانواده زندانیان سیاسی و جوانان که با باز

کشاکش تروریستها

شهاب بهرامی

نداشت. فلج اقتصادی در کنار بحران اجتماعی که سرتپای جامعه را علیه جمهوری اسلامی فرا گرفته رئیس "دولت اعتدال و امید" را آچمز کرده است. اعتصاب عمومی کردستان که به فراخوان احزاب چپ و کمونیست شکل گرفت همچنین اعتصاب سراسری و با شکوه رانندگان و کامیون داران که با قدرت به بیش از ۲۰۰ شهر رسیده است، نمونه های متأخر مبارزه مردم برای خلاص شدن از شر این حکومت و کل این سیستم چپاول است. ابوالفضل قدیانی یکی از چهره های شناخته شده مجاهدین انقلاب اسلامی اخیرا گفته است "اعمال دولت ترامپ و عملکرد آقای خامنه ای عملا دو لبه یک قیچی اند که با هم افزایشی، تن ملت ایران را مجروح می کند". نوری زاد میگوید خامنه ای جاسوس روسیه و پوتین است.

اینها همه از یاران دیروز خامنه ای و روحانی و خمینی بوده اند و امروز شکاف به حدی رسیده که حتی از درون مجلس اسلامی صداهایی بلند شده است که میگویند "این مملکت جنگ زده نیست، قحطی زده نیست، خیانت زده است". فحشهای رکیکی که لپن های حاکم نثار یکدیگر میکنند را اینجا نمیشود تکرار کرد.

در این فضای در هم ریخته حکومت اسلامی است که ترامپ و تنبهاو و دیگران به سران حکومت اسلامی حمله میکنند و اینها باید کوتاه بیایند و مظلوم نمایی کنند و سفیهانه به نلسون ماندلا متوسل شوند.

روز دوشنبه این هفته اجلاس سالانه سازمان ملل متحد کار خود را آغاز کرد. این اجلاس نیز بسان اجلاس گذشته این نهاد، و رای ادعاها و شعارهای تکراری و مردم فریب در مورد نجات محیط زیست، کاهش گرسنگی، ثبات و امنیت جهانی و غیره، نمایش رقت انگیزی بود از تقلای نمایندگان دولتهای سرمایه داری بحران زده برای جلب توجه افکار عمومی. از سران جنایتکار، فاشیست و مالیخولیایی همچون ترامپ، تنبهاو و روحانی، تا شرکای نا محترم اروپایی شان همگی در این خیمه شب بازی در قالب رجز خوانی و خط و نشان کشیدن و تملق متقابل و چاپلوسی دیپلماتیک به ایفای نقش پرداختند.

موضع قاطع و بی تخفیف ترامپ در مورد جمهوری اسلامی و بعد دست کشیدن روی سر روحانی بنام یک آدم "لاولی" یا دوست داشتی، در این نمایش مسخره از قبل قابل پیش بینی بود. اما آویزان شدن حسن روحانی به نلسون ماندلا، آتم از موضعی ضعیف و سخیف، تکمیل کننده پرده ای دیگر از این سیرک مضحک بود. اما چرا جمهوری اسلامی چنین ضعیف در مقابل "شیطان بزرگ" ظاهر شد؟ چرا قدرت موشکی را لای پوشک پیدیدند و حتی سناریوی نخ نمای حمله اهواز هم بداد مظلوم نمایی شان نرسید؟

زیرا ترامپ و دیگر مخالفین حکومت اسلامی به اتفاقی مهم از درون جامعه اشاره کردند و روحانی در مقابل آنها حرفی برای گفتن

بازتاب هفته (زیر نظر کاظم نیکخواه)

مزاحمت خیابانی یعنی خشونت علیه زنان

حسن صالحی

داشته است. اما ایجاد مزاحمت های خیابانی برای زنان فقط به دوران حاکمیت جمهوری محدود نمی شود و حتی پیش از آن هم وجود داشت.

وجود يك نگرش دیرینه مردسالارانه که متأسفانه همواره از جانب حکومت های مختلف و از جمله جمهوری اسلامی به شدت تقویت شده است، علت اصلی این مزاحمت های خیابانی است. طبق این نگرش مردان خود را حاکم بلامنازع بر زنان می دانند و این را حق خود می دانند که با زنان هر رفتاری داشته باشد. در این نگرش ارتجاعی زنان تنها وسیله ای برای رفع نیازهای جنسی مردان هستند و به همین عنوان به آنها نگاه و برخورد می شود. متأسفانه فرهنگ رایج در جامعه فرهنگی مردسالارانه است و همه افراد در متن چنین فرهنگی می آموزند و تربیت می شوند. در جوامعی که در زمینه برقراری برابری زن و مرد و غلبه بر فرهنگ مردسالارانه موفق بوده اند ما کمتر شاهد چنین رفتارهای زشتی علیه زنان هستیم.

طبعاً هر گونه مزاحمت خیابانی برای زنان باید ممنوع و قدغن شود. اما این قانون زمانی می تواند موثر باشد که پیش از آن فرهنگ ارتجاعی مردسالارانه در قوانین و سیستم حاکم ریشه نداشته باشد. زمانی که هر گونه تبعیضی در جامعه علیه زنان ممنوع شود و زنان از حقوق برابر و یکسان با مردان برخوردار باشند. راه حل ساختن جامعه ای است که همه بدور از اخلاقیات ارتجاعی و پوسیده خود را شهروندان برابر و یکسان بدانند و هیچ کس به خود اجازه ندهد کس دیگری را به دلیل جنسیت متفاوت مورد اذیت و آزاد قرار دهد.

در خیرها آمده بود که پس از تصویب قانونی فرانسوی بر ممنوعیت قانونی مزاحمت خیابانی برای زنان در این کشور، مردی به اتهام مزاحمت برای يك زن جوان در اتوبوس محکوم به جریمه و سه ماه زندان شده است.

دوستی با طنز تلخی تعریف می کرد که اگر چنین قانونی در ایران تصویب و به مورد اجرا گذاشته شود از قبل جریمه های جمع آوری شده علیه مردان، احتمالاً از وابستگی به درآمد حاصله از نفت خلاص می شدیم. منظور این دوست این بود که مزاحمت های خیابانی در ایران مثل شمار قابل توجهی از کشورهای دنیا رواج زیادی دارد.

زنان با نگاه های آزاردهنده در معابر عمومی، مزاحمت های کلامی از جمله متلک و فحاشی هنگام راه رفتن در خیابان، تماس و لمس بدن در خیابان و یا وسیله نقلیه عمومی، بوق زدن و ایستادن اتومبیل های شخصی هنگام راه رفتن در خیابان و... روبرو هستند. دلایل این چنین رفتارهای زشت و ناپسند چیست که نه فقط در خیابان بلکه به اشکال مختلف حتی در دنیای مجازی هم دیده می شود؟

طبعاً جمهوری اسلامی با ایجاد يك جامعه خفقان زده بر اساس قوانین و عرف مذهب، با جداسازی سازی دختران و پسران از سنین کودکی، با ایجاد محدودیت های فراوان برای برقراری روابط آزادانه و داوطلبانه میان زنان و مردان، با اجرای قوانین تحقیر آمیز و تبعیض آمیز علیه زنان در ایجاد چنین شرایطی تاثیر زیادی

داعش کوچک علیه داعش بزرگ!

جلیل جلیلی

چنین عملیاتی و عملیاتیهای از این قبیل قرار دارند. داعش کوچک که با پول های سرازیر شده از طرف حکومت هایی از جمله ترکیه و جمهوری اسلامی و عربستان، يك حکومت اسلامی دیگر را بمدت چند سال در بخش هایی از عراق دایر کرد و آنچنان جنایت هایی آفرید و چهره و پتانسیل واقعی حکومت های اسلامی در آفرینش جنایت را آنچنان آشکارا بنمایش گذاشت که حمایت کنندگانش انکار حمایت کردند، اکنون هم که رویای ایجاد «خلافت» اش را از دست داده است در خدمت و بدستور همان اربابان انجام وظیفه میکند.

اگر بازماندگان داعش عراق در آغوش داعشی که هنوز در ایران حکومت میکند جا خوش کرده اند، طولی نخواهد کشید که مردم ایران به تاریخ خلافت ۴۰ ساله اسلامی در این خطه از جهان پایان دهند و سران این داعش را در دادگاه های علنی و در جلو چشم جهان به محاکمه بکشند.

در جریان نمایش قدرت نظامی حکومت اسلامی ایران یعنی "داعش بزرگ"، در اهواز تیراندازی هایی صورت گرفت و تعدادی از انسان های «بیگناه» یا «باگناه» صدمه دیده و یا جان خود را از دست دادند. گویا داعش یا همان تشکیلاتی که میخواست کپی جمهوری اسلامی ایران را در عراق پیاده کند، که من آنرا داعش کوچک می نامم، مسئولیت این عملیات را بعهده گرفته است

مستقل از اینکه چه کسانی بطرف چه کسانی شلیک کرده اند و چه کسانی در هماهنگی و همکاری با چه کسانی نقشه این حمله را ریخته اند، این اقدام و اقداماتی شبیه به این در شرایط امروز ایران کاملاً بنباع داعش بزرگ، یعنی حکومت اسلامی ایران تمام میشود. و به همین اعتبار میتوان حدس زد که چه دستهایی پشت

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

سال تحصیلی جدید و خارج ماندن کودکان بیشتر از چرخه تحصیل

یک هفته مانده به شروع سال تحصیلی، اسفندیار چهاربند رئیس مرکز برنامه‌ریزی و منابع انسانی آموزش و پرورش از خارج ماندن ۳۰۰ هزار دانش آموز از چرخه تحصیل خبر داد. بنا بر همین گزارشات بخش بیشتر کودکان بازمانده از تحصیل را دختران تشکیل می‌دهند. یک خبر دیگر نیز از اینکه بیش از ۱۵۱ هزار دختر ۱۵ تا ۱۶ ساله امسال نتوانستند در هیچ مدرسه‌ای ثبت نام کنند، گزارش می‌دهد. همچنین در گزارشی معاون اجتماعی اداره کل بهزیستی خوزستان از اینکه در سال گذشته ۸ هزار کودک بازمانده از تحصیل در خوزستان از سوی وزارت کار معرفی شدند، خبر می‌دهد. مجید یزدان پناه مدیر کل آموزش و پرورش کرمانشاه نیز در گفتگو با مهر از وجود ۱۷ هزار و ۱۷۵ دانش آموز بازمانده از تحصیل در سطح استان که ۶ هزار و ۳۳۳ نفر پسر و بقیه آن دختر هستند خبر می‌دهد.

از سوی دیگر خبر ها حاکی از اینست که در حال حاضر حدود ۱۳ میلیون دانش آموز در کشور وجود دارد و این درحالیست افزون بر ۱۵ میلیون نفر در کشور در سن رفتن به مدرسه به سر می‌برند. بنابراین رقم دو تا دو میلیون و نیم همان رقم مفقود شده، تعداد کودکانی است که به تحصیل راه پیدا نکرده‌اند.

در حال هر ساله آمارهایی از نوع آمارهایی که جلو تر اشاره کردم بیرون داده می‌شود. اما نکته اینجاست که امسال در شرایطی که اقتصاد جمهوری اسلامی به بن بست تمام عیار رسیده است، در شرایطی که قیمت ها هر روز افزایش بیشتری می یابد و دستمزدهای چند بار زیر خط فقر کارگران و بسیاری از حقوق بگیران جامعه قدرت خرید هر روز بیشتر کاهش می یابد رقم آنها بطور واقعی بالاتر رفته است. بعلاوه

اینکه با رشد روند پولی سازی مدارس و چپاول مردم و اخاذی از خانواده ها بطور مختلف و حتی گرفتن شهریه در مدارس "غیر انتفاعی شرایط برای فرستادن کودکان به مدرسه به مراتب وخیم تر شده است. حتی در گزارشات دیده میشود که فاکتور رشد حاشیه نشینی بخاطر فقر بی حد مردم مشکل دسترسی کودکان این نوع مناطق به مدرسه نیز به عاملی دیگر بر افزایش تعداد کودکان بازمانده از تحصیل تبدیل شده است. نکته قابل تامل اینجاست که شمار واقعی کودکان بازمانده از تحصیل را در هیچ يك از آمارهای مهندسی شده دولت نمیتواند پیدا کرد. چرا که به قول خودشان اینگونه آمار ها به "جنگ روانی" علیه حکومت دامن میزند و اینهم هراسشان را از برپا شدن خشم بیشتر جامعه نشان میدهد. برای مثال در گزارشات از ۳۰۰ هزار کودک خارج مانده از تحصیل خبر می‌دهند، در حالی که در آغاز امسال در گزارش وزارت آموزش و پرورش به مجلس این رقم ۳/۵ میلیون کودک را در بر میگرفت. بگذریم که تنها حدود یک میلیون نفر کودک فاقد هرگونه هویت هستند و طبعا نمیتوانند در مدارس ثبت نام کنند که اصلا جایی در این آمارها ندارند.

از سوی دیگر آمار تکاندننده مربوط بر تعداد کودکان کار و افزایش هر روزه آن، دلیل دیگری بر کاذب بودن آمارهای دولتی از شمار کودکان بازمانده از تحصیل است. از جمله آمارهای رسمی رقم "کودکان کار و خیابان" را در کشور دومیلیون نشان می دهند، اما آمارهای غیررسمی از وجود هفت میلیون کودک کار خبر می دهند که گفته میشود ۵۰ درصد آنها را کودکان مهاجر از کشورهای افغانستان، پاکستان و... تشکیل می دهند.

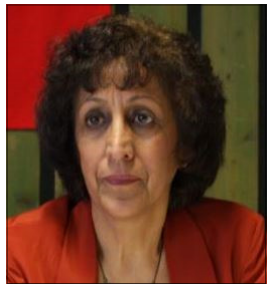
همین آمارهایی که آنهم زیر فشار اعتراض جامعه به بیرون درز پیدا میکند، خود به اندازه کافی تکان دهنده و هشدار دهنده است. به عبارت روشنتر اینها فقط آمار و

رقم نیستند بلکه بیانگر گوشه ای دیگر از فاجعه ای عمیق تر و اجتماعی تر به اسم فقر در جامعه هستند که نشان میدهد در چه ابعاد وحشتناکی کودکان به "جرم فقر" خانواده، دارند قربانی سرمایه داری وحشی حاکم میشوند. قربانی سیستمی میشوند که در آن حتی "آموزش و پرورش" هم کالا شده است و کسی که توان خریدن این کالا را ندارد، فرزندش از آن محروم می ماند و گام بعدی راهی شدن این کودکان به بازار وحشی کار است. تحصیل باید در تمام سطوح آموزشی رایگان باشد. کار کودکان باید ممنوع اعلام شود و خانواده هایی که به دلیل فقر معیشتی کودکانشان راهی کار خیابان میشوند، باید تحت پوشش تامین اجتماعی قرار گیرند و زندگیشان تامین شود و در گام اول سطح معاششان به بالای خط فقر ۵ تا ۶ میلیونی اعلام شده خود حکومتیان باشد. این ها حداقل هاست. این ها موضوعات مهم کارزارهای مبارزاتی در جامعه است. از جمله یک چالش اعتراضی مهم معلمان اعتراض به محرومیت دانش آموزان از آموزش رایگان و با کیفیت و با استانداردهای قابل قبول آموزشی است. در همین رابطه یک خواست مهم آنان که در فراخوان اعتراضی خود به تجمع در سیزدهم مهرماه اعلام کرده اند، تحصیل رایگان در تمام سطح تحصیلی، لغو مدارس خصوصی و پایان دادن به کالایی شدن آموزش است. بدین ترتیب معلمان با بدست گرفتن یک خواست مهم اجتماعی، صدای اعتراض کل مردم هستند. از مبارزات معلمان و خواستهایشان باید وسیعا حمایت کرد.

معلمان در تدارک تجمع سیزده مهر روز جهانی معلم

معلمان با چالش های اعتراضی شان و با خواستهایشان به استقبال سیزده مهر روز جهانی معلم میروند. بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران و کانون صنفی معلمان به مناسبت شروع سال تحصیلی بیانگر این چالش هاست. از جمله در مقدمه

بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان به مناسبت شروع سال تحصیلی چنین آمده است: "امسال در حالی به استقبال مهر و سال جدید آموزشی می رویم و در آستانه بازگشایی مدارس قرار داریم که بحران های اقتصادی و اجتماعی، عرصه را بر مردم، معلمان و بسیاری از خانواده های دانش آموزان تنگ کرده است. شرایط موجود محصول بی تدبیری و سوء مدیریت در طی چهل سال گذشته است و تمام دولت های بعد از انقلاب در آن نقش دارند و حدود دو دهه است که معلمان و فعالان صنفی به عنوان وجدان بیدار جامعه نسبت به عواقب فساد رو به گسترش و برنامه های ناکارآمد بخصوص در حوزه آموزش و پرورش به تمام مسئولان از بالا تا پایین هشدار داده اند. در سایه این بی توجهی ها بود که دی ماه ۱۳۹۶ شاهد اعتراضات سراسری در اعتراض به فقر در کشور بودیم اما مسئولان به جای پاسخگویی راه سرکوب را پیش گرفتند و با بستن چشم خود بر روی حقایق و با ساختاری شدن فساد اینک شاهد هستیم که افزایش قیمت ها در سایه رشد تورم و بیسکاری، دستمزدهای به شدت ناچیز را به اکثریت جامعه و معلمان تحمیل نموده است به طوری که هزینه آموزش از سبد خانوار برخی حذف شده و که این مساله به افزایش کودکان کار و خیابان منجر خواهد شد". شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان در این بیانیه با بر شمردن پنج چالش مهم از جمله، چالش تراکم کلاسهای درسی و رسیدن تعداد دانش آموزان یک کلاس در برخی مناطق به بالای چهل نفر، چالش اعتراض به کمبود معلم بدلیل اجرای بیکارسازیهها و عدم پذیرش دانشجو در دانشگاه فرهنگیان، چالش حقوق و دستمزد فرهنگیان و عدم افزایش حقوق آنان با توجه به نرخ تورم و وضعیت جدید اقتصادی و قرار گرفتن فرهنگیان در وضعیت اسفناک اقتصادی، چالش کالایی شدن آموزش و خصوصی سازی ها، نظیر

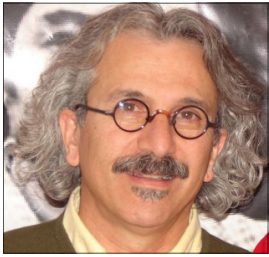


بازگشایی مدارس خصوصی که تحت عنوان غیر انتفاعی در دهه ۶۰ آغاز شده و اکنون به اوج خود رسیده و موجب اخاذی از والدین شده است و بالاخره چالش افت چشمگیر کیفیت آموزشی، مطالبات فوری معلمان را اعلام کرده است. افزایش بودجه آموزش و پرورش، افزایش حقوق و دستمزد معلمان، رفاه برای بازنشستگان و برخورداری آنان از بیمه درمانی مناسب، حق تشکلیابی مستقل، پایان دادن به کالایی کردن و پولی کردن آموزش، آموزش رایگان و بالا بردن کیفیت آموزش و بطور مشخص بر چیده شدن مدارس کپری و کانکسی، استاندارد سازی و تجهیز مدارس، سرمایه گذاری برای ورزش و شادی کودکان، اهمیت دادن به آموزش زبان مادری و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی معلمان دربند چون محمود بهشتی لنگرودی، اسماعیل عبدی و محمد حبیبی است رئوس مهم خواستهای برشمرده شده در بیانیه شورای عالی تشکلهای صنفی معلمان است. معلمان با این چالش ها و با این خواستها به تدارک تجمع سیزدهم مهرماه میروند.

حداقل دستمزد ۶ میلیون

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان در اعتراض به زندگی زیر خط فقر معلمان در بیانیه خود خواستار افزایش دستمزدها به ۶ میلیون تومان شده است. در این رابطه در این بیانیه چنین آمده است: "با توجه به اینکه خط فقر در ایران برای سال ۹۷، بیش از افزایش نرخ دلار و تورم چند ماه اخیر، توسط اقتصاددانان مستقل بیش از ۶ میلیون تومان پیش بینی شده بود، خواستار افزایش دستمزد به ۶ میلیون تومان در ماه شده است. با این احتساب حداقل دریافتی

در پس جدالهای لفظی بین جمهوری اسلامی و دولت آمریکا مصاحبه با علی جوادی



کارت سوخته مجاهدین گرفته تا تو بوق کردن بازندگانمانی مانند رضا پهلوی و جریاناتی مانند فرشگرد، همگی گوشه ای از تلاشهای ارتجاعی این نیروها است.

در يك كلام مساله سرنوشت رژیم اسلامی مشغله اصلی نیروهای بسیاری است. یکی برای خلاصی از شر حکومتی استبدادی و استثماری تلاش میکند. به دنبال جامعه ای آزاد و برابر و مرفه و انسانی، يك جمهوری سوسیالیستی است. دیگری اما به دنبال اعاده دوران گذشته است. حکومتی تمام عیار پرو غربی و استثمارگر، همانند آنچه در پاکستان و عربستان و اردن موجود است.

انترناسیونال: دولتهای اروپایی اعلام کرده اند که تسهیلات جدیدی برای ادامه معاملات مالی با جمهوری اسلامی در نظر گرفته اند و راههایی برای دور زدن تحریم های آمریکا در نظر دارند. آیا این راهکارها می تواند کمکی به بحران اقتصادی جمهوری اسلامی کند و آیا در بهبود وضعی زندگی مردم تأثیری خواهد داشت؟

علی جوادی: هیچ کدام از طرفین تردیدی ندارند که چنین تلاشی راه نجاتی برای بحران لاعلاج اقتصادی رژیم اسلامی نیست. بن بست اقتصادی رژیم اسلامی به فاکتورهای پایه ای تر و استراتژیک تری بر میگردد. رژیم اسلامی در کلیت خود رژیمی است که بنا به مختصات ایدئولوژیک سیاسی و تعلق به جنبش اسلام سیاسی و داشتن در منطقه ممنوعه خاورمیانه، حوزه صدور سرمایه و تکنولوژی نیست. این رژیم رونیای مناسبی برای سرمایه در دوران جهانی شدن سرمایه نیست.

تلاشهای دول اروپایی در قبال برجام پیش از هر چیز تلاشی سیاسی برای مهار رژیم اسلامی با سیاست

قبل از اینکه آمریکا تحریم های جدید خود را در مورد حکومت اسلامی اعمال کند، اعتراضات مردم در نقاط مختلف ایران بسیار گسترده تر از همیشه آغاز شد. مبارزات مردم در تعیین سیاست های جمهوری اسلامی و دولتهای غربی چه تأثیری دارد؟

علی جوادی: جامعه ایران در آستانه تحولات عظیمی قرار گرفته است. تلاش برای سرنگونی رژیم اسلامی در محور این تحولات قرار دارد. این جنبش دارای تأثیر تعیین کننده ای بر موقعیت جناحهای رژیم اسلامی و همچنین سیاست آمریکا و دول غربی است. همه این غول عظیم را دیده اند. هر کدام به گونه ای در تلاش برای تعریف موقعیت خود در قبال آن هستند.

روزی نیست که استراتژیستهای رژیم اسلامی به فکر چگونگی مقابله با این شرایط نباشند. سرکوب همه جانبه و بستن شمشیر خونین اسلام يك سیاست همیشگی این رژیم است. در طرف دیگر تلاش برای به بند و بست رسیدن با دول غربی علاوه بر تکیه بر روسیه و چین، سیاست جناح تو سری خورده رژیم اسلامی است. اما راهی برای بقای رژیمی که در بن بست اقتصادی و سیاسی و اجتماعی قرار دارد، وجود ندارد. رژیمی که مردم حکم به رفتن اش دادند، باید گوش را گم کند. پرده پایانی این تحولات بدون تردید سرنگونی شیرین رژیم اسلامی است.

غرب هم سیاست خود را بر مبنای تحولات جاری تعیین میکند. همگان بخاطر داریم که چگونه "انقلاب ۵۷" سرنوشت رژیم شاه را رقم زد و چگونه دول غربی در کنفرانس گوادالوب تن به تغییر رژیم مطلوبشان دادند. دیدیم که چگونه در پس خیزش سرنگونی طلبانه در مصر ناچار شدند حسنی مبارک را به کناری بیندازند. در این شرایط آمریکا و متحدین شان به طرق مختلف میکوشند تا مهر خود را بر تحولات جامعه بزنند. از بازی با

میکند. ناسیونالیسمی کور و کثیف در تمامی ابعاد اقتصادی و سیاسی و اجتماعی. در عین حال آمریکا مانند همیشه نیازمند يك نیروی متخاصم و دشمن است. رژیم اسلامی در حال حاضر کاندیدای چنین نقشی است.

روحانی هم بر خلاف خط و نشان کشیدنهای قبلی و یاهو گوئی های خامنه ای و سپاه مبنی بر بستن تنگه هرمز و شاهراه های نفتی جهان و موشک باران پایگاههای منطقه، ترجیح داد بر پایبندی رژیم اسلامی به توافقنامه برجام تأکید کند. با هزار التماس درخواست میکرد که آمریکا به سر میز مذاکره باز گردد. امید آفرشان تلاشهای اتحادیه اروپا برای حفظ برجام و مکانیسم پیشنهادی این قطب برای ادامه معاملات تجاری با حکومت اسلامی است. هر چند که خود نیز امید چندانی به این تلاشها ندارند. در هر حال از جمله به جمله سخنانی و مصاحبه های روحانی موقعیت وورشکسته و رو به نابودی حکومت اسلامی را بسادگی میشد مشاهده کرد.

اما تلاش ترامپ برای گفتگو با روحانی و یا خامنه ای يك سکانس مضحك و تهوع آور در حاشیه این اجلاس سازمان ملل بود. ترامپ يك دلال و بساز و بفروش برج و ساختمان است. دنیای سیاست و تخصصات بین المللی و تلافی کشمکشها و پیچیدگی هایش را نیز از این دریچه نگاه میکند. بر این تصور کودکانه است که با تکرار سناریوی کره شمالی شاید بتواند بمبی در سطح جهانی در کند. دیدار با خامنه ای و حتما پیش و پس از آن شاید بیان "سجایای" خامنه ای "رهبر جمهوری اسلامی ایران". شاید از هم اکنون در فکر زدن سکه ای برای این ملاقات تاریخی باشند. اما این مزخرفات بیشتر از آنکه جایی در واقعیت و کشمکشهای جهانی داشته باشد، رویا پردازی احمقانه يك نشو فاشیست است.

انترناسیونال: از دی ماه گذشته و

تخاصم آمیز انجام داد. در این راستا قرار است که حکومت اسلامی و جنبش اسلام سیاسی به نوعی جایگزینی برای بلوک شرق و حکومت شوروی باشند.

در طرف مقابل روحانی مذبحخانه کوشید حکومت اسلامی را قربانی تروریسم و مظلوم تاریخ جا بزند. به نوعی عجز و لابه های عاشورایی خودشان را تکرار کرد. بر خروج آمریکا از برجام انگشت گذاشت و بر پایبندی حکومت اسلامی به توافقنامه برجام تأکید کرد. روحانی در عین حال بطور ویژه ای تلاش کرد از هر گونه تهدیدی اجتناب کند، تهدیدهایی که پیش از این برای بستن شاهراههای انتقال سوخت انجام داده بود. روضه خوانی و سیاست ما "مظلومیم" تم اول و آخر سخنانی اش بود.

انترناسیونال: روحانی در مصاحبه هایی اعلام کرد که هدف اصلی از شرکت در این مجمع انجام توافق هایی با اتحادیه اروپا و روسیه برای دور زدن تحریم ها است. ترامپ و مقامات آمریکایی هم صحبت از آوردن فشار بیشتر به جمهوری اسلامی کرده اند. در عین حال ترامپ اظهار آمادگی کرده که با روحانی و حتی با خامنه ای مذاکره مستقیم داشته باشد. در پس جدالهای لفظی بین جمهوری اسلامی و دولت آمریکا چه میگردد؟

علی جوادی: اگر بخوام بطور فشرده به این سؤال شما پاسخ دهم باید بگویم که در پس این جدالها از يك طرف ما تلاش برای شکل دادن به سیاست جهانی هیات حاکمه جدید آمریکا و موقعیت این نیرو در سطح جهانی را مشاهده میکنیم. و از طرف دیگر تلاش حکومتی رو به زوال که مذبحخانه میکوشد راهی برای بقاء و تخفیف فشارهای بین المللی بر خود جستجو کند.

هیات حاکمه آمریکا در دوران ترامپ يك تغییر ریل استراتژیک در سطح جهانی و داخلی را نمایندگی

انترناسیونال: سخنرانی ترامپ و روحانی توجه بسیاری از رسانه ها را به خود جلب کرد. هر دو بخش قابل ملاحظه ای از سخنرانی خود را به نقد و تعرض به یکدیگر اختصاص دادند. محورهای اصلی این سخنرانی ها چه بود؟

علی جوادی: ترامپ تلاش کرد که چهارچوب کلی ای از سیاستهای هیات حاکمه آمریکا در دوره حاضر را ارائه دهد. روشن شد که رژیم اسلامی در محور تخصصات این دوره از سیاستهای آمریکا قرار دارد. روحانی تلاش کرد که گفتمانی برای "مظلومیت" رژیم اسلامی و دفاع از توافقنامه برجام و لغو تحریمهای اقتصادی ارائه دهد.

محور سیاستهای ترامپ که در این سخنرانی بیان شد از این قرارند: لاف و گراف و تبلیغات پوچ در دفاع از دولت خود در مقایسه با سایر دولتهای تاکنونی آمریکا که حتی مورد تمسخر نمایندگان کشورهای حاضر قرار گرفت. تلاش برای تضعیف و کم رنگ کردن نقش نهادهای بین المللی که اساسا در دوران جنگ سرد و پس از آن شکل گرفته و تحکیم شده اند، سازمانهایی مانند ناتو، سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول و خود سازمان ملل. چهارچوبی که تاکنون مورد توافق دولتهای مختلف آمریکا اعم از دمکرات و جمهوریخواه بوده است. در اینجا ما شاهد قرار دادن سیاست اولترا راست ناسیونالیستی و پروتکشنیسم اقتصادی در مقابل سیاست جهانی شدن اقتصاد و سیاست سرمایه هستیم. بخش دیگری از این سخنرانی به رجزخوانی های سیاسی در مقابله با حکومت آدمکشان اسلامی اختصاص داده شد. ترامپ تلاش کرد رژیم اسلامی را در ظرفیت "دشمن شماره يك" و "محور شرارت" قرار دهد. علاوه بر این تلاش ویژه ای برای به خط کردن کشورهای اروپایی و اسرائیل و همچنین برخی از کشورهای عرب زبان در حمایت از این سیاست

شوراهای کارگری، حزب و قدرت سیاسی

حمید تقوایی

یکی از نتایج شرایط و فضای انقلابی حاضر مطرح شدن ضرورت تشکیل شوراهای واقعی و مردمی از جانب فعالین و چهره های جنبش کارگری است. این گفتمان تازه آغاز شده اما از همین ابتدا مهر شرایط انقلابی و توازن قوای تازه میان کارگران و رژیم را بر خود دارد. کارگران اساسا در تجربه عملی خود و در اثر فروپاشی اقتصادی و ناتوانی حکومت در اداره کارخانه ها به ضرورت دخالت مستقیم در امور کارخانه و واحد تولیدی و به ضرورت تشکیل شورا برای بدست گرفتن کنترل تولید میسرند و این یک ویژگی شرایط متلاطم و پرتحوالی است که از بعد از خیزش دیماه شکل گرفته و تا امروز ادامه یافته است. ازینرو باید گفت که روی آوری به شوراها، گرچه اساسا با هدف اداره و در دست گرفتن امور واحد تولیدی صورت میگیرد، قبل از هرچیز یک حرکت و تعرض سیاسی در دل جنبش سرنگونی طلبانه جاری است.

نقش سیاسی شوراهای

برای پی بردن به نقش و جایگاه واقعی شوراهای در جنبش کارگری و در کل جامعه ابتدا باید بر این نکته تاکید کرد که گرچه شوراهای بر متن بن بست و تلاشی اقتصادی حکومت به جلو رانده میشوند اما اهمیت و جایگاه آنها مدیریت و اداره و کنترل تولید در هر کارخانه و مرکز تولیدی نیست و نمیتواند باشد. شوراهای نه امروز و نه حتی فردا بعنوان سنگ بنای حکومت سوسیالیستی چنین نقشی ندارند.

امروز (یعنی در دوره انقلاب و قبل از سرنگونی) شوراهای اساسا ارگانهای مبارزه علیه رژیم هستند. و اگر در کارخانه ای در پروسه تولید دخالت میکنند بخاطر نیازها و خواستههای پایه ای است که کارفرما و دولت نه قادر به تامین آن هستند و نه دیگر توان ممانعت از اقدام مستقیم کارگران را دارند. دخالت شوراها در تولید (یا توزیع و فروش) محصولات کار خود، که از دیماه تاکنون در هفت تپه و چند واحد

دیگر شاهد بوده ایم، یک نمونه کلاسیک "عمل مستقیم کارگری" در شرایط انقلابی است. به این معنی حتی وارد شدن شوراهای به عرصه کنترل کارخانه یک نوع چالش سیاسی حکومتی است که انورتیه و توانش در کنترل کارخانه و حتی جامعه را تا حد زیادی از دست داده است. این یک اقدام اقتصادی نیست بلکه حرکتی سیاسی و در جهت خلق یک فضای از حکومت بورژوازی ای است که دیگر توان حتی اداره کارخانه را ندارد.

هر نوع اشتباه گرفتن نقش شورا با کنترل تولید در کارخانه نه تنها این نقش سیاسی را تضعیف میکند بلکه به یک نوع آنارکوسوسیالیسم و آنارکوسنیدیکالیسم، به یک نوع سوسیالیسم غیر سیاسی و کارخانه ای، دامن میزند. به این توهم دامن میزند که گوئی تولید سوسیالیستی یعنی کنترل کارگران هر واحد تولیدی بر کارخانه خود! این نه تنها امروز بلکه بعد از خلق یک فضای طبقه سرمایه دار و تشکیل دولت شورائی نیز ممکن نیست. سرمایه یک رابطه اجتماعی است و باید اجتماعا نفی شود و نه کارخانه به کارخانه. باید رابطه اجتماعی بین کار و سرمایه نفی بشود یعنی نیروی کار دیگر کالا نباشد و استثمار، مالکیت خصوصی بر کارخانه ها و وسائل تولید (از ماشین آلات گرفته تا زمین و معادن و جنگلها و غیره) و کل مکانیسم بازار نفی بشود. و این امری است سراسری که تنها با تصرف قدرت سیاسی بوسیله حزبی که طبقه کارگر را نمایندگی میکند امکان پذیر است. بلون حزب و بلون قدرت سیاسی، حتی اگر در همه کارخانه ها شورا تشکیل شده باشد و همه کنترل کارخانه خود را در دست گرفته باشند، سرمایه نفی نخواهد شد بلکه برعکس مکانیسم بازار شوراهای کار بدست را ورشکست خواهد کرد. به نظر من آنارکوسوسیالیسم تخیلی ترین نوع سوسیالیسم است.

جایگاه استراتژیک شوراهای

از نظر سیاسی و استراتژیک روی آوری جنبش کارگری به شورا برای

اعمال اراده خود و اداره و کنترل تولید در شرایطی که دولت و کارفرما عجز و ناتوانی خود را نشان داده اند گام عملی مهمی در نفی دولت مافوق مردم و سازمانیابی برای دخالت مستقیم و بی واسطه در امر حاکمیت است. کارگری که در روند انقلاب در شورا متشکل شده و کنترل کارخانه را بدست گرفته بعد از پیروزی انقلاب بسادگی امور را به دولت و کارفرماهای تازه تحویل نخواهد داد و به خانه نخواهد رفت. انقلاب بوروکراسی و ماشین دولتی طبقه حاکمه را در هم میکشند و شوراهای برآیند این روند نفی دولت مافوق مردم هستند. نه تنها شوراهای کارگری بلکه شوراهای مردم در محل کار و تحصیل و در ادارات و در دانشگاهها و حتی در ارتش، در ابعادی که بعنوان مثال در انقلاب ۵۷ ایران شکل گرفت، محصول از هم پاشیدن دستگاه دولتی بوسیله انقلاب هستند. این خود اولین نماد و یا جوانه شکلگیری آلترناتیو حکومتی طبقه کارگر است. احزاب و نیروهای سیاسی طبقات دارا تلاش خواهند کرد دولت فروپاشیده در اثر انقلاب را ترمیم کنند، تا آنجا که میتوانند نهادهای دولتی را از ضرب تعرض انقلابی توده مردم نجات بدهند و ماشین دولتی را، حداکثر با تغییر مهره ها و مقامات و با ظاهری متفاوت، دوباره احیا کنند. کاری که دقیقا چنینی و طرفدارانش بعد از قیام بهمین انجام دادند.

در مقابل این تلاشها کمونیستها نه تنها با افشاگری از احزاب راست و نه تنها با روشنگری و تبلیغ سیاستها و اهداف خود، بلکه بطور عملی با اتکا به شوراهای کارگری و مردمی که در طی انقلاب شکل گرفته است خواهند ایستاد. ازینرو باید گفت شوراهای نه تنها در دل انقلاب و در مبارزه کمونیستها و طبقه کارگر علیه حکومت موجود جایگاه اساسی ای دارند بلکه در شکل دهی به آلترناتیو حکومت کارگری، در مقابل جمهوری اسلامی و فراتر از آن در مقابل هر نوع حکومت طبقاتی مافوق مردم، نقش

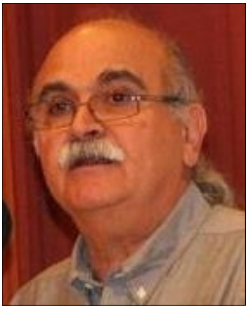
تعیین کننده ای ایفا میکنند.

حزب و شوراهای

این نقش و جایگاه شوراهای، چه در سطح مشخص برای بزیر کشیدن حکومت موجود و چه در سطح استراتژیک در نفی دولت مافوق مردم، بدون حضور و دخالتگری و رهبری حزب طبقاتی کارگران امکان پذیر نیست. طبقه کارگر تنها بوسیله و با اتکا به حزب طبقاتی اش میتواند به قدرت سیاسی را دست یابد. آنارکوسوسیالیسم این واقعیت را انکار میکند.

دیدگاه سیاسی متناظر با آنارکوسوسیالیسم، نادیده گرفتن اهمیت و نقش حزب سیاسی طبقه کارگر و برقراری اتصال کوتاه بین "خود کارگران" و یا شوراهای کارگری با قدرت سیاسی است. این عملا بجز محروم کردن طبقه کارگر از قدرت سیاسی معنائی ندارد. همانطور که کنترل شوراهای بر هر واحد تولیدی خودبخود به معنی سوسیالیسم نیست، از نظر سیاسی نیز گسترش و اعمال اراده شوراهای خودخود به معنی خلق یک سیاسی از طبقه سرمایه دار نیست. بدون حضور و دخالتگری فعال یک حزب انقلابی که افق سوسیالیسم را در برابر جامعه قرار بدهد و کل جامعه را در جهت سیاستها و اهداف سوسیالیستی طبقه کارگر بسیج کند سخنی هم از تصرف قدرت سیاسی بوسیله طبقه کارگر نمیتواند در میان باشد. چه از نظر سیاسی و چه اقتصادی سوسیالیسم از شوراهای تراوش نمیکند. یک حزب انقلابی کمونیست لازم است تا هم در شوراهای و هم در کل جامعه سیاستهای سوسیالیستی را نمایندگی کند و نقد سوسیالیستی وضع موجود را به یک گفتمان و دیدگاه و جهت گیری سیاسی گسترده و پرنفوذ در جنبش کارگری و در عرصه های مختلف مبارزات انقلابی توده مردم تبدیل کند.

اگر این نکته را قبول داشته باشیم، یعنی اگر قبول داشته باشیم که شرط لازم تحقق سوسیالیسم تصرف قدرت سیاسی بوسیله حزب طبقاتی کارگران است آنوقت لاجرم



به این سؤال باید پاسخ گفت که حزب چگونه میتواند قدرت سیاسی را تصرف کند؟ حزب ما با نظریه "حزب و جامعه" و "حزب و قدرت سیاسی" به این سؤال جواب داده است. این جواب برای چپ سنتی و متداول بقول منصور حکمت "کفر" است. یک جزء این "کفرگوئی" اینست که هر انقلابی، از جمله و بخصوص امروز انقلاب سوسیالیستی، امری توده ای و همگانی است. انقلاب سوسیالیستی یعنی انقلاب اکثریت عظیم جامعه تحت رهبری سوسیالیستها. سوسیالیستی بودن انقلاب به این معنی نیست که کارگر اعتصاب میکند و تظاهرات میکند و به خیابان میریزد و بقیه مردم تماشا میکنند! برعکس انقلاب سوسیالیستی یعنی انقلابی که بخش عظیم جامعه را بحرکت در می آورد. توده مردمی که بدلیل مختلف از حاکمیت سرمایه به ستوه آمده اند- امروز در هر جامعه ای و بویژه در ایران نود و نه درصد مردم این موقعیت را دارند- عملا و بطور عینی با طبقه کارگر همسو و هم سرنوشت اند و ازینرو میتوانند با افق طبقه کارگر، تحت هژمونی و رهبری طبقه کارگر، علیه وضع موجود و برای بزیر کشیدن حکومت به حرکت درآیند. (این عمیق ترین و رادیکال ترین و برجسته ترین بروز مبارزه طبقاتی بین دو کمپ کار و سرمایه است). تامین این هژمونی و رهبری تنها بقدرت حزب سیاسی طبقه کارگر امکانپذیر است.

تا آنجا که بحث ما در مورد شوراهای مربوط میشود یکی از جلوه های مهم همگانی بودن انقلاب علیه نظام سرمایه داری روی آوری توده مردم به شورا و تشکیلهای نوع شورائی است. در انقلاب ۵۷، علیرغم ضعف چپ و سازمانهای

کارگران در هفته ای که گذشت

از صفحه ۵

بلندمدت به محاق برد و با ضرب و شتم و کشیدن تن زخمی معلمان بر سنگفرش خیابان معلمان از مطالبات خود عقب نشینی نمی کنند، به روشنی پاسخ سرکوبگری های حکومتیان را داده است. بدین ترتیب این بیانیه پاسخ بسته های اقتصادی حکومت که حقیقتاً بسته هایی در هراس از به میدان آمدن مردم معترض است را به روشنی میدهد و این بطور واقعی پاسخ کل جامعه به کل این بساط فقر و بردگی است.

پایه ای بخشهای مختلف جامعه و مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی است.

انترناسیونال: در جدال جمهوری اسلامی با دولت آمریکا و بند بست با اتحادیه اروپا و روسیه مردم چه انتخابی باید داشته باشند و چه هدفی را دنبال کنند؟

علی جوادی: انتخابی دیگر. انتخاب پیوستن به اردوی آزادی و برابری و رهایی انسانها. انتخاب اردوی کمونیسم کارگری. سیاست دول غربی اعم از آمریکا و یا اروپا و به طریق اولی روسیه و چین ذره ای از خواست دیرینه و پایه ای مردم و تلاش روزمره شان برای رسیدن به آزادی و برابری را منعکس نمیکند. به هر درجه که مردم به دول خارجی و سیاستهایشان اتکا کنند به همان درجه نقش و اراده خود در شکل دادن به سرنوشت خود را واگذار کرده اند. آزادی و خلاصی از رژیم اسلامی تنها میتواند حاصل تلاش خود مردم باشد. حلقه گرهی در این چهارچوب سازماندهی و رهبری است. سازماندهی به گرد سیاست نیرویی که امرش تنها رهایی توده مردم کارکن و زحمتکش است. حزب کمونیست کارگری حزبی برای آزادی و برابری و رفاه و یک جامعه انسانی است.

شوراهای کارگری، حزب و قدرت سیاسی

از صفحه ۷

کمونیستی، در افکار عمومی مردم و در سطح وسیعی در جامعه آزادی نه با پارلمان و دموکراسی پارلمانی بلکه با اعمال اراده مستقیم شوراهای در اداره امور جامعه تداعی میشود. در انقلابی که در حال شکلگیری است به طریق اولی تشکیل شوراهای میتواند به امری توده ای و فراگیر تبدیل شود. و این بار شوراهای برخلاف تجربه انقلاب ۵۷، به همت و با تلاش نیروهای کمونیست مانند حزب ما، سنگ بنا و ستون فقرات دولت برآمده از انقلاب باشد.

شورها و چپ فرقه ای

چپ فرقه ای و غیرسیاسی از نظرات فوق در مورد نقش و جایگاه حزب و شوراهای و رابطه آنها با یکدیگر و با قدرت سیاسی بیگانه است چون برای او سوسیالیسم نه یک امر سیاسی و فوری و عملی بلکه یک دکمایدولوژیک است. چپ فرقه ای شاخه چپ جنبشهای طبقات دیگر است و وقتی این شاخه بخواهد به زبان مارکسیستی صحبت کند ناگزیر است کارگر را به صنف تولید کننده، مبارزه طبقاتی را به صحن کارخانه، و سوسیالیسم را به آنارکوسوسیالیسم تقلیل بدهد. نشانند شوراهای و کلا تشکلهای توده ای طبقه کارگر بجای حزب طبقاتی کارگران یک وجه مشترک چپ فرقه ای و آنارکوسوسیالیسم است. این جزئی از دیدگاه و سیاست فرقه هائی است که مجیزگوئی از کارگران را با رادیکالیسم کارگری اشتباه گرفته اند.

این شیوه و ذهنیت را در برخورد این فرقه ها به انقلاب نیز مشاهده میکنیم. از نظر آنان انقلاب همگانی طبقاتی نیست، کارگری نیست بلکه دموکراتیک است، پوپولیستی است و غیره. از نظر چپ غیرکارگری مبارزه طبقاتی و مبارزه سوسیالیستی یعنی مبارزه کارگر بعنوان صنف تولید کننده علیه

اسلامی سرمایه است.

موخره

اهمیت و جایگاه شوراهای را تنها میتوان بر مبنای بحث و متد فوق باز شناخت و توضیح داد. در شرایط حاضر برافراشته شدن پرچم شوراهای بوسیله رهبران کارگری یک گام مهم پیشروی جنبش انقلابی برای سرنگونی است دقیقاً بخاطر اینکه یک تعرض سیاسی قدرتمند علیه جمهوری اسلامی است. بخاطر اینکه اقدامی است در جهت بالا رفتن ثقل جنبش کارگری و تامین هژمونی طبقاتی کارگران در جنبش عمومی برای بریز کشیدن حکومت موجود. و در دل این حرکت نیروهای انقلابی کمونیست، بویژه حزبی مثل حزب ما که همواره بر شوراهای جنبش شورائی تاکید داشته و با شوراهای تداعی میشود، نیز به جلو رانده میشود. مشروط بر اینکه درست سر بزنگاه سوراخ دعا را گم نکند و به آنارکوسوسیالیسم و آنارکوسوسیالیسم مسلط بر فرقه های چپ در نغلطد. مشروط بر اینکه بین شورا و سوسیالیسم، و شورا و تصرف قدرت، حلقه حزب را جا نیندازد و اتصال کوتاه بر قرار نکند و مانند چپ غیرحزبی و "مستقل" که همیشه با حزب و حزیت و مشخصاً با حزب مدعی قدرت سیاسی مثل حزب ما مشکل داشته است، بیماری کودکی طبقه کارگر "خودش" قدرت را میگیرد و "خودش" انقلاب را رهبری میکند و غیره اش عود نکند! اینها نسخه پیچی برای شکست است. پیروزی انقلاب سوسیالیستی بدون شورا امکان پذیر است اما بدون حزب انقلابی طبقه کارگر ممکن نیست.

حزبی که قطب نمای حرکتش در شرایط حاضر تامین هژمونی سیاسی بر جنبش سرنگونی و تامین هژمونی فکری و نظری مارکسیستی بر چپ اجتماعی باشد. یک تفاوت اساسی دوره حاضر با انقلاب ۵۷ اینست که امروز چنین حزبی وجود دارد.

در پس جدالهای لفظی ...

از صفحه ۶

تطمیع و سازشکاری است. نگران یکدست شدن رژیم اسلامی تحت چهارچوب سیاستهای جناح راست و تندرو آن هستند. در عین حال خود نیز میدانند که این تلاشهای نیم بند نه درمانی برای اقتصاد ورشکسته رژیم اسلامی است و نه میتواند سد محکمی در قبال سیاستهای قدرمنشان دولت آمریکا باشد. امیدشان به دفع وقت و شاید تغییری در تناسب قوای هیات حاکمه در انتخابات میان دوره ای آمریکا باشد.

ما اما در عین حال که برای سرنگونی همه جانبه و انقلابی رژیم اسلامی تلاش میکنیم در همان حال مخالف تحریم های اقتصادی هستیم. تحریمهای اقتصادی مستقل از تاثیر آن بر رژیم اسلامی از آنجائیکه مصائب بسیاری را بر مردم فقر زده تحمیل میکنند، از نقطه نظر ما یک سیاست ضد اجتماعی و تماماً ارتجاعی است. به عملکرد تحریمهای اقتصادی در عراق نگاهی بیندازید، کارنامه ای خونین و سیاه را مشاهده خواهید کرد. ما برای اهداف انسانی مبارزه میکنیم، سیاست تاکتیکی ما نیز تماماً منبعت از این سیاست استراتژیک و عمومی مان است.

تحریم ها موقعیت زندگی مردم را وخیم تر میکند اما هر گونه بهبودی در زندگی مردم تنها و تنها میتواند حاصل مبارزه و فشار بر رژیم اسلامی برای کسب مطالبات

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

فرشگرد: جریان‌های فاشیستی و بی‌آینده گفتگوی تلویزیون کانال جدید با کاظم نیکخواه



استقبال این رسانه‌ها قطعاً بعداً بیشتر رو خواهد شد. ولی یک چیز که روشن است اینست که این رسانه‌هایی که اسم بردید و برخی دیگر بطور فعال و هماهنگ در مورد جریان راست ضد کمونیست و فاشیستی‌ای که دو روز است

اعلام موجودیت کرده شروع میکنند تبلیغات کردن، مصاحبه کردن، تریبون دادن. و این خیلی جالب توجه است. این بیشتر از اینکه ماهیت آن جریان تازه تاسیس را نشان دهد، ماهیت همین رسانه‌های به اصطلاح "بی طرف" و "مستقل" را جلوی چشم مردم میگذارد. اینها قرار بود "بیطرف" باشند.

ولی در عرض همین چند روز یک مرتبه فراموش کردند و بیشترین پوشش تبلیغی را به یک جریان ضد کمونیست و سلطنت طلب طرفدار ترامپ میدهند. این نوع استقبال از یک جریان سیاسی توسط رسانه‌های فارسی زبان غربی بی سابقه است. بنابراین قطعاً یا باید پول کلانی در کاسه شان ریخته شده باشد، یا از دولتها دستور گرفته باشند. یا هر دو. ژست و پز رسانه‌هایی مثل بی بی سی و رادیو فردا و امثالهم اینست که بیطرفند. اما اینجا یک بار دیگر به همه آشکار میشود که نه بیطرفند و نه مستقل. وگرنه بقول شما تشکل سیاسی کم اعلام موجودیت نکرده، تشکلهای سیاسی کم در اپوزیسیون وجود ندارند، اما یک جریان راست و ترامپیست که دو روز است تاسیس شده و معلوم نیست چند مرده حلاج است و چقدر دوام می‌آورد را اینها سعی میکنند به جلو برانند و به مردم بقبولانند و به درجه‌ای موفق شده‌اند که توجه‌ها را به آن جلب کنند.

سیما بهاری: یکی از موضوعاتی که این جریان در بیانیه‌اش مطرح کرده و شما هم اشاره کردید ضدیت اینها با کمونیسم است که

در راست‌ترین جناح سلطنت طلبان قرار میگیرند. میشود در مورد جایگاه و آینده چنین جریانی در جامعه امروز ایران و دلیل اعلام موجودیت آن بعداً بیشتر صحبت کرد.

اینها روشن است که طیفی از سلطنت طلبان هستند که آشکارا از فواید جنگ صحبت میکنند. صراحتاً از اینکه دولتها از بالا حکومتی را به مردم تحمیل کنند دفاع میکنند. یعنی صریح تر و آشکار تر از هر جریانی اهداف راست و سلطنت طلبی شان را مورد دفاع قرار میدهند. و این جالب و قابل توجه است.

معمولاً دیده‌ایم که جریان‌های راست دیگر به نحوی وانمود میکنند که همه جریان‌های سیاسی از چپ و راست را تحمل میکنند و قبول دارند و یا وانمود میکنند که مردم جایگاهی در سیاست‌هایشان دارند. اما اینها خیلی روشن و صریح میگویند ما با کمک آمریکا میخواهیم بیاییم سرکار و در همان قدم اول کمونیستها را بزیم. حتی با زبان گستاخانه و وقیحانه‌ای کمونیستها را "ارتجاع سرخ" مینامند. یعنی به زبان حکومت آریامهری و پدر تاجدار از تخت افتاده شان محمد رضا شاه حرف میزنند که گورستان آریامهری را بر جامعه تحمیل کرده بود. یک کلمه از جایگاه مردم و مبارزات مردم حرفی نمی‌زنند.

سیما بهاری: این اول بار نیست که یک تشکل مخالف جمهوری اسلامی اعلام موجودیت میکند. ولی میتوانم بگویم که اول بار است که وقتی یک تشکل اعلام موجودیت میکند فوراً رسانه‌هایی مثل بی بی سی، رادیو فردا، کیهان لندن، من و تو و اینها به آنها مصاحبه کرده باشند و به آنها تریبون داده باشند. چرا؟

کاظم نیکخواه: بله اینهم نکته بسیار قابل توجهی است. دلیل

سیما بهاری: با درود به بینندگان عزیز. در شهریور ماه امسال یعنی همین ماه که در آن هستیم جریانی بنام "فرشگرد" اعلام موجودیت کرد. این جریان مدعی است که برای سرنگونی جمهوری اسلامی تلاش میکنند و میخواهد "ایرانی دموکراتیک" بسازد. از کاظم نیکخواه دعوت کردیم در برنامه گفتگوی تلویزیون شرکت کنند و با همدیگر در این رابطه گفتگویی داشته باشیم. سلام میکنم به شما کاظم نیکخواه خیلی خوش آمدید به برنامه مان.

کاظم نیکخواه: با درود به شما و همکارانتان و بینندگان عزیز سیما بهاری: کمی از اهداف این جریان "فرشگرد" بگویید. اینها خود را چگونه تعریف میکنند کاظم نیکخواه: همانطور که خود شما اشاره کردید اینها چند روزی بیشتر نیست که اعلام موجودیت کرده‌اند. و برنامه و اهدافشان را در جزئیات اعلام نکرده‌اند. اما از بیانیه‌ای که داده‌اند و مصاحبه‌هایی که در برخی رسانه‌ها با آنها شده معلوم است که چه میگویند.

اینها جریانی هستند که میگویند طرفدار ترامپ هستند، طرفدار رضا پهلوی هستند. طرفدار تشدید و گسترش تحریمهای اقتصادی هستند. خودشان را ضد کمونیست تعریف میکنند. خود را سکولار یا سکولار دموکرات تعریف میکنند. و حتی بعضاً دیده‌ام که برخی از آنها از "فواید جنگ" صحبت میکنند.

وقتی اینها را کنار هم بگذارید بسادگی یک طیف توق و شناخته شده سلطنت طلب را می‌بینید. سلطنت طلب امروز در جامعه ایران اگر بخواهد ابراز وجود کند نمیتواند ادعا نکند که من "سکولار" و "دموکرات" هستم. اما کل جهت گیری اعلام شده آنها نشان میدهد که اینها

به همان زبان آریامهری ادعا میکنند که میخواهند با "ارتجاع سرخ و سیاه" بجنگند. آیا این بنظر شما نقطه ضعفشان میتواند باشد یا نقطه قوتشان؟

کاظم نیکخواه: بنظر من این با پوزش از بینندگان باید بگویم از حماقتشان است. ناچارم این کلمه را بکار ببرم. اینها به این توهم دچار شده‌اند که وقتی چهار نفر در گوشه‌ای به نفع رضا شاه یا رضا پهلوی شعار دادند اینها هنوز هیچ نشده و به جایی نرسیده میتوانند یک جامعه هشتاد میلیونی را برگردانند به گورستان آریامهری و با زبان پدرتاجدارشان با مردم حرف بزنند و به چپ و کمونیسم حمله کنند. و این را نمیفهمند که ایران جامعه چهل سال قبل نیست. مردم ایران، کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و دانشجویان سی چهل سال است با یک ارتجاع حاکم سرمایه داری هر روز جنگیده‌اند. به همین دلیل کمونیسم یک جای ویژه‌ای در ایران دارد. کمونیسم بسادگی یعنی از حقوق انسانی دفاع کردن، یعنی رفاه حق همه است، یعنی آزادی بیان و تشکل و عقیده بدون قید و شرط حق همه است، یعنی کودک و زن و مرد و همه مردم حق دارند زندگی انسانی داشته باشند. یعنی تبعیض نباید علیه هیچ بخشی از مردم اعمال شود. اینهاست که هر روز در اعتراضات در شعارها، در تجمعات، در بیانیه‌ها در صدای اعتراض بخشهای مختلف مردم با صدای رسا شنیده میشود. چپ و کمونیسم نماینده اینهاست. و چپ در این جامعه چه کسی خوش بیاید یا نیاید جای بسیار جدی‌ای دارد. و اتفاقاً این جریان‌ها از وحشتشان

از چپ است که اینگونه هنوز هیچ کار نکرده، شمشیر علیه کمونیسم بلند میکنند. کمونیسم هم همان "ارتجاع سرخ" است که محمد رضا شاه گفته است! ارتجاع سرخ را وقتی یک زمانی محمد رضا شاه میگفت یک عده ای میگفتند حتما منظورش استالین و بلوک شوروی و اینهاست. امروز که اینها نیستند. این جریان منظورش امثال حزب کمونیست کارگری است. منظورش کسانی هستند که میگویند کارگر حق دارد استثمار نشود. مردم حق دارند استثمار نشوند. مردم حق دارند انسانی زندگی کنند. یک طیف اقلیت مفتخور سرمایه دار نباید بالای سر مردم حکومت کند. این یعنی کمونیسم. حالا یک عده‌ای پیدا شده‌اند با طرفداری از ترامپ و رضا پهلوی و جنگ و سرمایه داری و میخواهند با کمونیسم بجنگند. خودشان میگویند ما به ترامپ نامه نوشتیم و از او تقاضا کردیم که بیا ایران را نجات بده. اینها میخواهند کمونیسم را در ایران گویا ریشه کن کنند! ما به آنها میگوییم کور خوانده‌اید! این جامعه را نمیشناسید. این جامعه دوباره به عقب بر نمیگردد. به گورستان آریامهری بر نمیگردد. به سلطنت و دیکتاتوری و حکومت موروثی و چکمه پوشانی که میخواهند مردم را سرکوب کنند، به اوین و زندان و شکنجه و ساواک روی خوش نشان نمیدهد. جریانات سلطنت طلب اول باید بروند تکلیف خودشان و دارودسته‌هایی که به خون یکدیگر تشنه هستند و هر روز دارند به هم فحش میدهند را روشن کنند.

فرشگرد: ...

از صفحه ۹

تردیدی نداشته باشید که این جامعه با سرنگونی جمهوری اسلامی برابری را، حقوق انسانی را، زندگی انسانی را بصورتی نمونه وار در ایران پیاده خواهد کرد. بنابر این گردانندگان این جریان نشان میدهد که از سیاست چیز زیادی نمیفهمند و جامعه ایران را نمیشناسند. خود رضا پهلوی تا الان اینگونه حرف نمیزد. همین یک مدتی پیش در مصاحبه اش حتی ادعا کرد که پدرش "سوسیالیست" بوده! مجبور است این را بگوید و خود را مضحکه کند. همین ها که الان بیانیته می دهند و میگویند "ما سکولاریسم" معلوم است که نیستند. این را ما به اینها تحمیل کرده ایم. همان رضا پهلوی هنوز وقتی از جمهوری اسلامی حرف میزند آنها را "فرقه تبهکار" مینامد. نه ارتجاع مذهبی و اسلامی. نمیگوید یک مشت آخوند مرتجع مفتخور اسلامی. مدام از عبارت "فرقه تبهکار" برای اینها استفاده میکند که گویا ربطی به اسلام و مذهب ندارند. اما اینها هنوز پا از خانه بیرون نگذاشته شمشیر را از رو بسته اند و میخواهند کمونیسم را بزنند! حتی خمینی قبل از سال ۵۷ جرات نکرد نیات ضد کمونیستی اش را رو کند و میگفت "مارکسیستها و کمونیستها هم حق فعالیت و تشکل در جامعه دارند اما بشرطی که توطئه نکنند!" حالا یک جریان تازه تاسیسی که با پول و پله ای که دولتها در اختیارش گذاشته اند اعلام موجودیت کرده، می خواهد با زبان دیکتاتوری آریامهری با جامعه امروز ایران حرف بزند و میگوید من میخوام کمونیستها را بزنم. بجای اینکه اهدافش را مبارزه با جمهوری اسلامی تعریف کند از همان اول تولدش می خواهد فعالترین و رادیکالترین بخش اپوزیسیون را بزند، معلوم است که جایی در

جامعه ایران، درسیاست ایران و در آینده ایران نخواهد داشت و جامعه آنرا به سرعت کنار میزند و حاشیه ای میکند. این جامعه جلوتر از این حرفهاست، روشن تر از این حرفهاست، آگاه تر از این است که اینها تصور میکنند. یک جریان فاشیستی که از ترامپ و ناسیونالیسم و از جنگ دفاع میکند و میگوید جنگ چیز بدی هم نیست، یعنی با زبانی که فاشیسم حرف میزند جلو آمده و می خواهد کارگر کمونیست را عقب براند! اینها فاشیستند. میگویند جنگ چیز خوبی است. تحریم اقتصادی خوب است. گرسنگی دادن مردم خوب است. معلوم است که یک جریان فاشیستی است. و فاشیسم در جامعه امروز ایران هیچ جایی ندارد و نخواهد داشت. مطمئنا اینها خیلی زود بساطشان جمع میشود. خودشان از هم می پاشند. آنقدر جریانات راست و سلطنت طلب اختلاف دارند و همین چند ماه گذشته آنقدر به هم فحشهای ریک داده اند که فکر نمیکنم این چند نفر با این سیاستهای رسوا بتوانند یک ذره آنها را جمع کنند. اما معلوم است که پولی در دست و بالشان ریخته شده است و یک مدتی جست و خیزی میکنند و بعد هم پولها را به جیب میزنند و دنبال زندگی شان میروند.

سیما بهاری: اشاره کردید به طرفداری از ترامپ. عده ای از افرادی که در لیست این جریان هستند کسانی هستند که به ترامپ نامه نوشته اند که ایران را آزاد کند. کلا سیاست اینها چه ربطی به ترامپ دارد؟

کاظم نیکخواه: ببینید اینها یک مشت سلطنت طلب طرفدار رضا پهلوی هستند که دار و دسته ترامپ (بعدها معلوم میشود کدامشان چه نقشی در این رابطه داشته) آنها را راه اندخته اند. زبان و ادبیاتشان از آنجا می آید. ترامپ کسی است که در خود آمریکا بعنوان نماینده طیف فاشیست و دست راستی حزب جمهوریخواه از او اسم برده میشود. یک میلیاردی هست و داستانهایی دارد که خودتان

بخوبی میدانید و سرکار آمده است. این طیف راست در آمریکا و برخی دولتهای ارتجاعی دارند تقلا میکنند که جریانات مختلف را سبک سنگین کنند و برای آینده آنها را شاید مورد استفاده قرار دهند. بعضی هایشان رفتند دنبال مجاهد، با پول عربستان و برخی کشورهای دیگر و الان هم این دارودسته را راه انداخته اند و دارند آزمایش میکنند که اینها را جلو بیندازند. یکی از دلایل این نوع تلاشها اینست که مردم ایران متحدند، مردم ایران آگاهند، چپ در آن جامعه جای برجسته ای دارد. کارگر صدای رسایی دارد. جریانات راست و سلطنت طلب و اسلامی جایی در اعتراضات، مبارزات و حرکتهای مردم جایی نداشته اند در این چند ساله و مدام حاشیه ای تر شده اند. و این طیف می خواهد این طور وانمود کند که با طرفداری از ترامپ یا ترامپ با استفاده از اینها میتوانند در سیاست آینده ایران نقشی ایفا کنند. جامعه را به راست بچرخانند. مانع شوند که سرمایه داری و حاکمیت مفتخوران سرمایه دار خدشه ای در آن وارد شود.

این تلاشی است در این جهت. اما بنظر من اشتباه محض است. اینها فکر میکنند با وابستگی به ترامپ میشود هرکاری در دنیا انجام داد. میشود عراق و افغانستان و جاهای دیگر را نشانشان داد که نشان میدهد که جناب ترامپ نمیتواند خودش را هم جمع کند چه رسد به اینکه بخواهد در ایران آینده که کارگر هرروز مارش میروند و کارگر هیکو سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی" را میخواند چطور شما میخواهید با موضع سلطنت طلبی و ضد کمونیسم جایی در این جامعه پیدا کنید؟ تازه یک مشکل اینها خود چرخش سیاستهای ترامپ است که حرفی از سرنگونی نمیزند دارد تلاش میکند با جمهوری اسلامی سر میز مذاکره بنشینند. معلوم نیست که اگر این اتفاق بیفتد جریانات دست ساز و ترامپیست

چه سرنوشت مضحکی پیدا میکنند!

ولی بالاخره تقلاهایی است که انجام میشود. در همین یکی دو سال گذشته طرفداران رضا پهلوی چندین بار به نامهای مختلفی سعی کردند خود را سازمان دهند و جمع و جور کنند و با تشنت بیشتر از در خارج شدند. یک بار "شورای ملی ایران" را درست کردند. بعد "شورای ملی ایرانیان" را درست کردند و بعد اسمش را به چیز دیگری تغییر دادند و بعد هم رضا پهلوی بناچار از همه اینها بیرون افتاد و استعفا داد و الان سی چهل نفر را جمع کرده اند و "فرشگرد" را سرهم بندی کرده اند.

همه اینها تقلا و تلاشی است برای نجات جریان راستی که متشتت است و در آن جامعه جایی ندارد. و بنظر من جایی هم نخواهد داشت.

سیما بهاری: اتفاقا سوال بعدی من همین است که با توجه به اینکه در ادبیات حزب کمونیست کارگری و تحلیلهایی که شما میدیدید گفته میشود که جامعه اساسا چپ است. خواستها و مطالبات مردم چپ است. خب این یک چنین جریان راستی چقدر میتواند این امکان را داشته باشد که در جامعه رشد کند یا جایی پیدا کند

کاظم نیکخواه: ببینید ما وقتی میگوییم جامعه چپ است یک حرف صرفا تحلیلی نیست. به فاکتهای روشنی اشاره داریم که قابل انکار نیستند. وقتی که برای مثال کارگران شعار میدهند که "حقوقهای نجومی فلاکت عمومی" این یعنی چه؟ یا وقتی مالباختگان و بازنشستگان میگویند "اگر که من نبودم تو اون بالا نبود" منظورشان چیست؟ در واقع دارند به زبان ساده ای به سرمایه داران مفتخور میگویند اگر کارگر نباشد شما هیچ نیستید و مفتخوری بالایی ها عامل فقر و محرومیت اکثریت مردم است. یا شعار کارگران واحد که میگویند "ملک نجومی تو ما را بی مسکن کرده". از این نوع شعارها که تمایز و تبعیض طبقاتی را مورد

نقد و تعرض قرار میدهد در تمام اعتراضات اجتماعی شنیده میشود. این صدای جامعه است. این اعتراض جامعه است. کارگران و معلمان و دانشجویان مالباختگان و بازنشستگان هر جا که اعتراض کرده اند حتی برای دستمزدهای پرداخت نشده شان، این نوع شعارها در تجمعاتشان شنیده میشود. یعنی اینطور نیست که کارگر فقط می آید و میگوید دستمزد پرداخت نشده مرا بدهید. به سرمایه داران و حکومتشان میگوید آن کارخانه مال شما نیست. حاصل رنج و کار پدران ماست. کارگر هفت تپه این را میگوید. از استثمار و کار ماست که هفت تپه و غیره بوجود آمده. هیکو درست شده. راه آهن و فولاد اهواز درست شده. این نوع اعتراض و شعارها را بویژه در مبارزات کارگران و مالباختگان و بازنشستگان که در واقع اکثریت مردم هستند بوفور میشنومیم. در بیانیه ها و سخنرانی ها و غیره اعتراض به سرمایه داری و تبعیضات طبقاتی و ستم و استثمار طبقاتی را بوضوح و با صدای رسا هرروز داریم میشنومیم. کمونیسم یعنی چه؟ کمونیسم یعنی همینها. کمونیستها کسانی هستند که میخواهند تبعیض طبقاتی وجود نداشته باشد. یک اقلیت بی خاصیتی بی دلیل بالای سر جامعه حاکمیت نکنند. همین الان نگاه کنید! اکثریت مردم برای تهیه نان شبشان مشکل دارند. ولی یک اقلیت مفتخور دارد در ثروتهای واقعا نجومی غلت میزند. اتومبیلهای چند میلیون دلاری از کشورهای غربی هزار هزار وارد ایران میشود که اینها استفاده کنند. و سوار میشوند و برای خودشان میگردند. و خلاصه در ثروتهای عظیم غلت میزنند. بقیه چیزهایی که میخرند و سفارش میدهند را مردم خبر ندارند. این را مردم قبول ندارند. کارگران قبول نمیکنند. این یعنی من تبعیض طبقاتی را نمیخواهم. و کمونیسم دقیقا یعنی همین. کمونیسم چیزی جز اینکه تبعیض

فرشگرد: ...

از صفحه ۱۱

طبقاتی نباید در هیچ گوشه جامعه وجود داشته باشد نیست. کمونیسم یعنی بی عدالتی اجتماعی را من قبول ندارم. اینکه یک مشت مفتخور چند تا کارخانه داشته باشند و چند هزار کارگر را شب و روز استثمار کنند و حقوقهای بخور و نمیر آنها را هم بالا بکشند را کمونیستها قبول ندارند. قبول نداریم که سرمایه دار بر آن جامعه حاکم باشد.

و این را کارگر و معلم و پرستار و بازنشسته و دانشجو و مالباخته دارد هرروز به زبانهای مختلف فریاد میزنند. اگر فرصت بود من میتوانستم چند تا از شعارهایی که هرروز دارد در چندین اعتراض و حرکت تکرار میشود را اینجا ذکر کنم که تماما علیه تبعیض طبقاتی است. فقط شعارها هم نیست. در بیانیه ها، سخنرانی ها، اعتراضات خیابانی، و در همه جا ما اعتراض به حاکمیت سرمایه داران مفتخور و اعتراض به شکاف طبقاتی را بوضوح میشنویم. این یعنی چه؟ یعنی جامعه هرجا اعتراض میکند به زبان چه اعتراض میکند و این یعنی جامعه اساسا چه است.

من اصلا ادعا نمیکنم که کسانی که این شعارها را میدهند الزاما کمونیسم را میشناسند یا حزب کمونیست کارگری یا مارکسیسم را خوانده اند. اتفاقا جالبی مساله اینست که این شعارها و خواستهای چه از زندگی واقعی و روزمره کارگران و معلمان و بازنشستگان سرچشمه میگیرد. و این بیش از هر چیز حقانیت کمونیسم را تأکید میکند. نتیجه اینکه اعتراض جامعه چه و سوسیالیستی است و راست و سلطنت طلب و فاشیستها به این اعتراضات کاملا بی ربطند. چه جامعه به موقع خودش حزب خودش را هم انتخاب میکند و مجبور است انتخاب کند.

یک عده اهداف ارتجاعی سلطنت طلبی را جلوی مردم میگذارند اما کارگران و مردم متوجه میشوند که چه جوابشان را میدهد و این نوع گرایشات و جریانات علیه کل خواستهای انسانی و پیشرو مردم و کارگران هستند. کسی که حقوق نجومی نمیخواهد و مفتخورها را نمیخواهد بر او حاکم کنند نمیرود پشت سر رضا پهلوی و حکومت موروثی و خانواده هزار فامیل. این واقعیت جامعه ایران است و جریانات راست به این واقعیت کاملا بی ربط هستند.

سیما بهاری: در مورد رضا پهلوی صحبت کردید. خود این جریان فرشگرد میگوید رضا پهلوی یک جایگاه ویژه دارد ولی علت حمایت از او اینست که جامعه دارد او را انتخاب میکند. و شعارهای مردم در اعتراضات دی ماه به این طرف نشان میدهد که رضا پهلوی را میخواهند. این چقدر واقعی است؟

کاظم نیکخواه: بنظر من اصلا واقعی نیست. کسی از مردم رای گیری نکرده که جامعه چه شخصی را میخواهد. رضا پهلوی طرفدارانی در جامعه دارد. اما چه و کمونیستها هم طرفداران بسیاری دارند. اما حرف من اینست که رضا پهلوی کسی است که وقتی خاتمی سرکار آمد به همراه داریوش همایون به او تبریک گفت، به روحانی تبریک گفت. هنوز هم دنبال اینست که از "روحانیت اصیل" در مقابل "روحانیت فاسد" دفاع کند. یعنی سعی میکند بخشی از آخوندها را تطهیر کند و برای آینده از آنها استفاده کند. همانطور که اشاره کردم حتی سعی میکند مذهب و اسلام را از جمهوری اسلامی جدا کند و تطهیر کند و همه جنایات و چپاول رژیم اسلامی را به گردن یک "قرقه تبهکار" بیندازد. این

نوع سیاستها و جهت گیریها در سیاست در ایران جای جدی ای ندارد. معلوم است که یک عده طرفدار رضا پهلوی هستند و میروند اینجا و آنجا شعار میدهند. اما در اعتراضات توده مردم، در جنبشها و اعتراضات کارگران و معلمان و دانشجویان و بازنشستگان و مالباختگان که بارها و بارها هزار هزار آمده اند و اعتراض کرده اند یک بار شعارهایی به نفع این جریان یا در دفاع از اهداف سرمایه داری مفتخوری که سلطنت طلبان مدافع آن هستند نمیشنوید. اگر کسی از سرمایه داری و سلطنت و حاکمیت موروثی جایی دفاع کند، آن وقت میشود گفت که طرفدار سلطنت است. اینها یک ذره در میان بخشهای معترض جامعه جایی ندارد. اما شانتاژ تبلیغاتی کم ندارند

سیما بهاری: و سوال آخر اینست که وظیفه ای که در قبال این تشکل چه حزب کمونیست کارگری چه چه برای خودش در نظر دارد چیست؟

کاظم نیکخواه: معلوم است که ما وظیفه خودمان میدانیم که هر جا هر جریانی سیاستهای ارتجاعی در پیش میگیرد و میخواهد آنرا به درون جامعه ببرد آنرا افشا کنیم. جریان فاشیستی ای که با سیاست

طرفداری از سلطنت و طرفداری از فاشیسم و ضدیت با کمونیسم میخواهد جلو بیاید با سیاستهای ما افشا میشود. سراسر ترین راه برای عقب راندن این جریان و هر جریان دیگر راست نشان دادن و فرموله کردن مضمون چه و طبقاتی اعتراضات اجتماعی به خود مردمی است که دارند اعتراض میکنند. هر جریانی که بخواهد جامعه را به عقب ببرد و از خواستها و اهداف انسانی و پیشرو خودش دور کند مورد نقد و افشاگری ما قرار میگیرد. ما اهداف و فعالیتی جز این نداریم که جامعه را با اهداف انسانی آشنا کنیم. مردم را با خواستهای انسانی شان آشنا کنیم. مردم حق دارند رفاه داشته باشند، آزادی داشته باشند، برابری داشته باشند. زندگی انسانی داشته باشند. و هرکسی که بخواهد جامعه را به مسیر دیگری بکشاند یا به عقبگرد بکشاند مورد نقد و افشاگری فعالان ما قرار خواهد گرفت. فکر نمیکنم این جریان آینده چندانی در جامعه ایران پیدا کند. جای زیادی داشته باشد. و مطمئنا خیلی زود خودشان دچار تشتت و از هم پاشیدگی خواهند شد. چونکه جامعه این ها را قبول نمیکند.*

آموزش رایگان حق همه کودکان است

مورد انواع تعرضات قرار میگیرند. هزاران کودک به دلیل اینکه پدر و مادرشان زاده افغانستان و کشورهای دیگر هستند توسط حکومت اسلامی از حق تحصیل محروم شده اند.

همه کودکان بدون هیچ استثنائی حق دارند از آموزش رایگان و با استاندارد بالا برخوردار شوند. دست مذهب و نهادهای مذهبی باید از دولت و آموزش و پرورش قطع شود.

سرنگون باد جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ مهر ۱۳۹۷



صحنه ای از راهپیمایی جنبش دادخواهی در استکهلم

دلار این هفته رکورد زد

محمد شکوهی

این هفته نرخ دلار رکورد زد. عصر روز چهارشنبه ۴ مهر ماه بازار بورس ارزهای خارجی جمهوری اسلامی اعلام کرد که قیمت دلار در بازار آزاد غیررسمی "به ۱۹ هزار تومان افزایش یافته است. برخی دلیل این جهش قیمت دلار را سخنرانی ترامپ در سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی و تاکید بر افزایش تحریمها اعلام کردند. متقابل دولت و بانک مرکزی هم ضمی این امر را تایید کرده و افزایش قیمت دلار را هم تهدید ادامه تحریمها ربط داده و رسماً اعلام کردند که ترامپ در صدد قطع شاهرگ های دسترگی رژیم به ارزهای خارجی مورد نیازش می باشد. البته اینها توجیحات حکومتی برای تدام ادامه افزایش قیمت دلار و سایر ارزهای خارجی توسط دولت و حکومت می باشد.

اما در ورای این توجیحات حکومتی افزایش دلار دلایل سیاسی و اقتصادی معینی دارد که مهمترین آنها سیاستهای اقتصادی و پولی خود حکومت است که این وضعیت را بوجود آورده است. اقتصاد بحران زده و بی افقی محض رشد سرمایه گذاری های خارجی عدم امنیت سرمایه بیدون ارتباط با جهان سرمایه داری آزاد غرب، و... از دلایل دیگر این وضعیت هستند. اقتصاد حکومت "اقتصاد جزیره ای" بسته می باشد. همه چیز را دولت و بیت رهبری در دست دارند. اینها در واقع تعیین می کنند که اقتصاد، تازه اگر اقتصاد به معنای کلاسیک بورژوازی را بشود در این مورد به کار گرفت، که اولویتهای اقتصادی حکومت چیست و چه مسیری باید برود. برای جمهوری اسلامی اقتصاد همان چیزی است که الان امروز در ایران حاکم گردانیده است. دزدی، غارت، همه چیز در خدمت هزینه های سرسام آور دم و دستگاه سرکوب رژیم، تامین حضور نظامی و جنگ های نیابتی تش در منطقه و... و در کنار آن تحمیل فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی های هر چه بیشتر بر

گرده مردم. این اقتصاد و سیاست اقتصادی حکومت است. فروش نفت و صادرات منبع اصلی تامین هزینه های حکومت می باشد.

حکومت بارها مقصر این وضعیت را تحریمها اعلام کرده و می کند. نزدیک به ۴۰ سال است که این را می گویند. اثرات تحریمها بر اقتصاد حکومت هر چند قابل انکار نیست، ولی همه علت این وضعیت اقتصادی نیست. سیاستهای اینها از جمله سیاستهای پولی و ارزی شان در دو دهه گذشته یکی از دلایل اصلی افزایش روز به روز قیمت ارزهای خارجی می باشد. سالیهاست که دولت ها در تقلا و تلاش هستند که نرخ ارز را آزاد بکنند. هر بار تلاش کردند بعدا پس گرفتند. الان از دوره دولت روحانی رسماً اعلام کرده اند که سیاست پولی شان آزادی سازی قیمت ارزهای خارجی بوده و دولت این پروسه را تا رسیدن و ارز تک ترخی و ثبت آن، مدیریت خواهد کرد. این اساس آن سیاستی است که افزایش قیمتهای امروزی ارزهای خارجی را به دنبال داشته است. دولت و سیاستش رسماً بالا بردن و بالا نگه داشتن قیمت ارزهای خارجی، فروش ارز برای تامین هزینه های ریالی اش می باشد. از نتایج و تبعات این سیاست، افزایش مدام قیمت دلار و سایر ارزهای خارجی می باشد.

با این توضیحات بد نیست مروری کوتاه به افزایش قیمت ارزهای خارجی بویژه دلار در هفته ای که گذشت بپردازیم. ابتدا چند خبر.

*بر اساس اخبار و گزارشات رسانه های حکومتی قیمت دلار بعد از ظهر روز چهارشنبه ۴ مهر در بازار "غیررسمی" به ۱۸ هزار تومان رسیده است. در سامانه های ارزی "نیما و سنا" که دولت برای خرید و فروش ارزهای خارجی راه انداخته قیمت دلار ۱۴ هزار تومان اعلام شده است.

رشدی چشم گیر موجب شد تا قیمت دلار از ۱۷ هزار تومان عبور کند و به ۱۸ هزار تومان تا ساعت ۱۲:۵۰ دقیقه روز چهارشنبه ۴ مهر برسد. این خبرگزاری مدعی شده که "هجوم مردم برای خرید دلار باعث بالا رفتن قیمت دلار شده است".

*در سامانه های ارزی "نیما و سنا" که دولت برای خرید و فروش ارزهای خارجی راه انداخته قیمت دلار بالای ۱۴ هزار تومان اعلام شده است. این دوسامانه در توجیه گرانی دلار که قرار بود با ایجاد و راه اندازی "بازار ارز ثانویه" قیمتها ثابت بشوند، ادعا کرده اند که "التهابات و شوکهای بازار آزاد" علت گرانی ارزهای خارجی از جمله دلار می باشد به همین خاطر عرضه کنندگان ارزهای خارجی بویژه دلار قیمت ها را با "بازار عرضه و تقاضای آزاد تنظیم کرده اند." این دو سامانه در دست دولت و بانک مرکزی و از یکی از عاملان مهم هدایت افزایش قیمت ارزهای خارجی می باشد.

*گزارشات میدانی که در شبکه ها و ملیای اجتماعی منتشر شده حاکی از این است که دیروز در جریان سخنرانی ترامپ قیمت دلار تا مرز ۱۷ هزار تومان رفت. عصر دیروز این قیمت از مرز ۱۷ هزار تومان گذشت و امروز به مرز ۱۸ هزار تومان رسیده است. در این میان بانک مرکزی و دست اندکاران بازار ارزهای خارجی در بورس حکومت سکوت کرده و در توجیه گرانی هر لحظه ای قیمت دلار، ادعا میکنند که این موج گذرا بوده و بعضا التهابات بازار ارز آزاد به آن دامن زده است."

آنچه مسلم است بالا رفتن قیمت دلار ادامه خواهد داشت. بالا بردن و بالا نگه داشتن قیمت ارزهای خارجی سیاست رسمی دولت روحانی می باشد در این میان پول حکومت ۸۰ درصد ارزشش را در برابر دلار آمریکا و سایر ارزهای خارجی از دست داده است. معنای این یعنی گرانی های بیشتر برای مردم و درآمدهای افسانه ای روزانه دهها هزار میلیاردی برای دولت و باندهای فاجاچیان ارز های

خارجی حکومت.

بالا بردن روزانه نرخ افزایش قیمت دلار توسط دولت، بانک مرکزی، دست اندکاران بازار آزاد و دلالات حکومتی، اثرات و تبعات بسیار مخرب و ویران کننده ای بر قدرت خرید و تامین هزینه های معیشت و گذران زندگی روزانه مردم تحمیل کرده است.

کاهش ۸۰ درصدی ارزش ریال در برابر دلار، معنایش کاهش ۸۰ درصدی قدرت خرید مردم می باشد. مردم و کارگران که دستمزدهای ریالی میگردند، مجبورند برای تامین حداقل های زنده ماندن، هزینه های زندگی شان را با دلار بالای ۱۷ هزار تومان تامین نمایند. از قبل این گرانی ها کل حکومت در کنار درآمدهای افسانه ای از فروش و قاچاق دلار، درآمدهای سرسام آوری نیز از قبل گران فروشی، قبضه و کنترل بازار کالاهای اساسی گیرش می آید.

دولت، بانک مرکزی، صادر کنندگان و وراد کنندگان کنسرنهای بزرگش به همراه باندهای فاجاچیان و مافیای ارزی حکومت که در صرافی های تهران و در بازار آزاد ارز در چهار راه استانبول و خیابان فردوسی ساکن هستند، از عاملان اصلی بالا بردن قیمت دلاری باشند. افزایش و بالا بردن قیمت هر



ساعتی ارزهای خارجی توسط دولت و مافیای ارزی باندهای حکومتی، یک سیاست رسمی دولت روحانی می باشد. همه این باندها در این پروسه سهیم بوده و سودهای روزانه هزاران میلیاردی نصیبشان میشود. بدین ترتیب چه گرانی دلار و چه گرانفروشی و افزایش روزانه قیمت کالاهای اساسی، یک منبع مهم درآمد برای حکومت سرمایه داران؛ دزدان و دولت قاچاقچیان می باشد. سیاست رسمی پولی دولت روحانی هدایت و مدیریت این روند پرسود برای کل نظام کثیف اسلامی می باشد برای پایان دادن به این وضعیت باید دولت قاچاقچیان ارز و مافیای ارزی و کل نظام غارتگر سرمایه داری اسلامی را به زیر کشید.

۴ مهر ۱۳۹۷،

۲۶ سپتامبر ۲۰۱۸

باید مقابل تلاشهای سرکوبگرانه و تفرقه افکنی ...

از صفحه ۳

دشمن ما همینجاست يك شعار سراسری است، نه به فلاکت عمومی نه به قوقلهای نجومی يك شعار سراسری است. این شعارها را باید برجسته کرد. خواهشهایی مثل لغو مجازات اعدام، آزادی زندانیان سیاسی، خواهشهایی که اعتصاب عمومی و شکوهمند شهرهای کردستان هفته قبل حول آنها شکل گرفت، اینها اهداف و شعارهای مشترکی است که باید مردم در سراسر ایران حولش ببینند و جمهوری اسلامی را از هر طرف تحت فشار قرار بدهند. این حرکت خود بخود نیروهای قوم پرست و نیروهای مذهبی را حاشیه ای میکند، فعالیتهایشان را خنثی میکند و آنها را به عقب میراند.

شدن مدارس و دانشگاهها دوباره بمیدان آمده اند، به اعتراض برخاسته اند. همه این بخشها، که نود و نه درصد جامعه را تشکیل میدهند، يك دشمن مشترک دارند و هدفشان بزییر کشیدن این دشمن مشترک یعنی جمهوری اسلامی است. اگر فقر و بیکاری و بیحقوقی و آلودگی هوا و کمبود آب، بخصوص در شهرهای خوزستان، بیداد میکند علت اصلی اش وجود جمهوری اسلامی است. برای حل این مصائب و مشکلات است که مبارزه متحد و سراسری علیه جمهوری اسلامی شکل گرفته است. امروز شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم يك شعار سراسری است، اصلاح طلب اصولگرا دیگر تمامه ماجرا يك شعار سراسری است،

احکام شنیع زندان و جریمه در ازای شلاق برای ۶ نفر از دستگیر شدگان ۲۰ اردیبهشت

سراسری پست کانادا و سعید نعما دبیر کل کنفدراسیون اتحادیه کارگری در عراق نیز به احکام زندان و پیگرد فعالین کارگری و فعالین اجتماعی و حکم جنایتکارانه شلاق علیه محمد حبیبی اعتراض کردند. کارزار علیه احکام شنیع صادر شده برای محمد حبیبی، کارزار در دفاع از معلمان زندانی و اعتراض علیه بازداشت ها و احضار های فعالین کارگری و دیگر فعالین اجتماعی همه و همه اجزایی از کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات است. وسیعا به این کارزارها بیسوندیم. با اعتراض گسترده به احکام وحشیانه صادر شده برای ۶ نفر از بازداشت شدگان ۲۰ اردیبهشت علیه اقدام دوست، رسول بدائی، اسماعیل گرامی، جواد ذوالنوری، حسین غلامی و محمد عابدی خواستار لغو فوری این احکام شویم. انزجار خود را به حکم شنیع شلاق اعلام کرده و قاطعانه اعلام کنیم که شلاق ممنوع است.

هم اکنون یکی از چالش های مهم معلمان، چالش پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی معلمان دریند چون محمود بهشتی لنگرودی، اسماعیل عابدی و محمد حبیبی است. شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان طی بیانیه اش به مناسبت شروع سال تحصیلی جدید نیز به روند سرکوب فعالان و تشکل های صنفی اعتراض کرده و خواهان آزادی بی قید و شرط معلمان زندانی شده است. این شورا همچنین نسبت به پرونده سازها و احضار های بیبایی در شهرهای مختلف هشدار داده و خواستار بازگشت به کار معلمان تبعیدی و اخراجی به سرکارشان شده است. از خواستها و اعتراضات معلمان حمایت و پشتیبانی کنیم. خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط محمد حبیبی و دیگر معلمان زندانی همچون اسماعیل عابدی، محمود بهشتی و روح الله مردانی و تمامی زندانیان سیاسی شویم. تمامی احکام امنیتی صادر شده برای کارگران، معلمان و برای تمامی فعالین سیاسی باید فوراً آزاد شود.

کمیسیون برای آزادی کارگران زندانی

زنده باد همبستگی جهانی کارگری

<http://free-them-now.com/>
Shahla.daneshfar2@gmail.com

۴ مهر ۹۷، ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۸

قرون وسطایی با اعتراض شدید روبرو گردید. در همین رابطه تشکل های کارگری نیز همچون اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای واحد، انجمن صنفی برق و فلز کار کرمانشاه ضمن انعکاس این خبر خواستار آزادی بدون قید و شرط محمد حبیبی شدند. کمیته دفاع از محمد حبیبی نیز در اعتراض به این حکم وحشیانه، طوماری را انتشار داد و از کلیه انسان های آزاده درخواست کرد که بعنوان اولین گام برای نه گفتن به زندان و شلاق، آن را امضا کنند و همانجا خواستار آزادی فوری محمد حبیبی و قرار گرفتن وی تحت درمان بخاطر وضع بد جسمانی اش شد. نزدیک به دو هزار نفر این طومار را امضا کردند و این خود به جنبش نه به شلاق تبدیل شد. بعلاوه اینکه معلمان و فعالین کارگری و دیگر فعالین اجتماعی با ابتکارات دیگری به این کارزارها پیوسته اند. نمونه های قابل توجه آن در این هفته رفتن تعدادی از فعالین به فراز سیلان در آذربایجان شرقی و بدست گرفتن تصاویر معلمان زندانی با خواست آزادی فوری آنان و دیدار جمعی از فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی با خانواده محمد حبیبی معلم زندانی و اعلام همبستگی با او و مبارزاتش در آستانه آغاز سال تحصیلی جدید است. همچنین کارزاری با شعار جای معلم در زندان نیست در میای اجتماعی مدتهاست در جریان است و در این کارزار معلمان و دیگر فعالین اجتماعی با بدست گرفت عکس معلمان زندانی و اعلام حمایت از آنها کلیپ تهیه میکنند و خواستار آزادی آنان از زندان میشوند. این کارزارها با قدرت به جلو میرود.

در سطح جهانی نیز کنفدراسیون اتحادیه های بین المللی کارگری (ITUC) حکم وحشیانه صادره برای محمد حبیبی را محکوم کرده و خواهان آزادی فوری او گردید. همچنین سازمان جهانی آموزش EI حکم محکومیت محمد حبیبی به زندان، شلاق، ممنوع الخروجی و ممنوعیت در فعالیت مدنی را قویا محکوم کرده و از مقامات ایران خواستار شد که هر چه سریعتر او را بدون هیچ قیدوشرط آزاد کنند. این سازمان در بیانیه خود از فعالان اجتماعی و سازمان ها و اتحادیه های صنفی سراسر جهان دعوت کرد که به این حکم اعتراض کنند و خواستار آزادی فوری محمد حبیبی شوند. بعلاوه اتحادیه

۶ نفر دیگر از بازداشت شدگان روز ۲۰ اردیبهشت معلمان که در اعتراض به فقر، گرانی و تبعیض ها و برای داشتن یک زندگی انسانی در مقابل سازمان برنامه و بودجه به پا شده بود، با اسامی "عالیه اقدام دوست، عضو اتحادیه بازنشستگان"، "رسول بدائی، بازرس سابق کانون صنفی معلمان تهران"، "اسماعیل گرامی"، "جواد ذوالنوری"، "حسین غلامی" و "محمد عابدی" همراه با محمد حبیبی بازداشت و با قید وثیقه آزاد شده بودند، بنا بر حکم صادره در ۲۴ شهریور ماه به اتهام "اخلال در نظم عمومی از طریق شرکت در تجمعات غیرقانونی" و "تمرد نسبت به مامورین حین انجام وظیفه" به مجازات اسلامی ۷۴ ضربه شلاق (۵۰۰۰۰۰ تومان جریمه) و ۹ ماه حبس محکوم شدند. جریمه را در ازای شلاق تعیین کرده اند، تا با اینکار هم چماق احکام ارتجاعی مجازات های اسلامی شان را روی سر جامعه نگاهدارند و هم جراتش را ندارند و حکم شلاق را به جریمه بدل کرده اند.

این حکم با موجی از خشم و انزجار روبرو شده است. اعتراض به چنین احکامی، اعتراض به مجازات های جنایتکارانه بر اساس قوانین ارتجاعی اسلامی، همچون حکم شلاق، اعتراض به امنیتی کردن مبارزات و دفاع از حقوق پایه ای چون حق تشکل، حق اعتصاب و آزادیهای پایه ای در جامعه است. وسیعا به این احکام اعتراض کنیم.

قبل از در چهاردهم مرداد ماه حکومت اسلامی محمد حبیبی عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان ایران را به حکم وحشیانه ده سال و نیم حبس (۷ سال و نیم حبس تحت عنوان تبلیغ علیه امنیت ملی و ۱۸ ماه حبس تحت عنوان اخلال در نظم عمومی) و ۷۴ ضربه شلاق محکوم کرد. صدور این حکم وحشیانه با موجی از خشم و نفرت در میان کارگران، معلمان و دیگر فعالین اجتماعی روبرو شد و بازتابی جهانی پیدا کرد. از جمله در اعتراض به این احکام شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان طی بیانیه ای آنرا شدیداً محکوم کرد. همینطور حکم صادر شده برای محمد حبیبی از سوی نهادهای صنفی مختلف معلمان از جمله انجمن های صنفی معلمان کردستان (سقز و زیویه) و فرهنگیان خراسان شمالی این حکم

سکوت دولتهای اروپایی در رابطه با اعدام رامین حسین پناهی، زانیار و لقمان مرادی محکوم است!

ننگینی که در خاطره تاریخی ما مردم برای ابد حک شده است را هم روشن خواهد کرد! عمر این دیپلماسی مشمژ کننده همانند عمر حکومت اسلامی ایران رو به آخر است! مبارزات وسیع مردم ایران در مقابل بربریت حکومت اسلامی ایران، حامیانش را در میان وجدان بیدار و آگاه بشریت متمدن یافته است! کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، همپیمان با هزاران مردمی که به میدان آمدند، ضمن محکوم کردن سکوت و مماشات نفرت آور تا کنونی دولتهای اروپایی، اعدام این سه زندانی سیاسی را به کمیته علیه حکومت اسلامی و در حمایت از مبارزات مردم، برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی بدل خواهد کرد!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۳۰ شهریور ۱۳۹۷، ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۸

جمهوری اسلامی را اعلام کردند!

علیرغم این مبارزات عظیم و با شکوه، دولتهای اروپایی خفقان گرفتند! این سکوت و مماشات را مادران و پدران داغدار و ستمدیده ایران، هزاران خانواده زندانیان سیاسی و همه وجدان زخم خورده بشریت در دهه شصت، در آن سالهای کشتار و خون و جنون حکومت اسلامی تجربه کرده بودند! در آن هنگام هم دولتهای اروپایی خود را به نفهمی زدند! چشمشان را بر آن جنایات عظیم بستند و دست قاتلین شریفترین فرزندان مردم را فشرده و بر سر میز دیپلماسی چانه زدند!

مبارزات دلیرانه مردم ایران از اعتصابات عظیم کارخانجات تا صدها تظاهرات و فتح خیابانها می رود که بساط جمهوری اسلامی را برای همیشه برود. این مبارزات بی امان، تکلیف این سکوت نفرت آور، این رفتار ضد انسانی، این دیپلماسی خونین و

اعدام رامین حسین پناهی، زانیار و لقمان مرادی، موجی از خشم و انزجار میلیونی مردم را در سراسر جهان در پی داشت. هزاران نفر از مردم شرافتمند و انسان دوست، وجدانهای بیدار و آگاه، از ایران تا اروپا و آمریکای شمالی با اعتراضات خیابانی با کمپین آتش زدن طنابهای دار و "ما همه رامین، زانیار و لقمان هستیم" به این جنایت آشکار اعتراض کردند.

از دهها میدان و خیابان فریاد خشم علیه اعدام سر داده شد! این حجم عظیم اعتراضات و تظاهرات به وسعت جهان، علیه سبوعیت و درندگی حکومتی در شرف سقوط، صحنه مبارزه مردمی بود که پرچم نه به اعدام در دست از حرمت انسانیت دفاع کردند!

مردم کردستان علیه حکم اعدام این سه زندانی سیاسی، با برگزاری اعتصاب عمومی و یکپارچه، پیام روشن مردم ایران به

اعتصاب بزرگ رانندگان و کامیونداران و پیوستن رانندگان نفتکش پالایشگاه تبریز

به حاشیه راندن مبارزات مردم و کم کردن فشار بر خودش را دارد، بسیار مهم و سرنوشت ساز است. دور نیست روزی که اعتصابات سراسری شما را کارگران راه آهن و سایر بخشهای کارگری و معلمین و بازنشستگان و پرستاران و همه مردم همراهی کرده و رژیم جمهوری اسلامی را بزانو درآورده و جنبش سرنگونی طلبانه مردم به پیروزی برسد.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران، ضمن حمایت از اعتصاب شما، دست تک شما را میفشارد و از همه رانندگان و کامیونداران در آذربایجان میخواهد که به این اعتصاب مهم بپیوندند. اعتصاب و اتحاد سراسری کارگران نقش حیاتی در پایان دادن به حیات جمهوری اسلامی دارد.

زننده باد اعتصابات سراسری کارگران سرنگون باد جمهوری اسلامی
کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
اول مهرماه ۱۳۹۷
برابر با ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۸



صحنه ای از راهپیمایی جنبش دادخواهی در استکهلم

انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

ستم طبقاتی بود. در شرایطی که سرمایه داری در ایران کارگران را به شدیدترین وجهی زیر استثمار و بهره کشی قرار داده و جلال گسترده و فعال کارگران با حکومت اسلامی سرمایه و مفتخوران سرمایه دار در سرتاسر جامعه جریان دارد و هرروز ابعاد تازه ای بخود میگیرد، جای محمد جراحی در میان ما بسیار خالی است. محمد جراحی متاسفانه به آرزوی دیرینه اش که برپایی جامعه ای آزاد و برابر و سوسیالیستی بود نرسید، اما به بسیاری از کارگران و مردم راه نشان داد و نامش در جنبش کارگری و کمونیستی هیچگاه فراموش نخواهد شد.

زننده باد یاد محمد جراحی و همه جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم! سرنگون باد جمهوری اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران
۶ مهر ۱۳۹۷،
۲۸ سپتامبر ۲۰۱۸

گرامی باد یاد کارگر کمونیست محمد جراحی

از صفحه ۱

از زندان آزاد شد و کمتر از یک سال بعد درگذشت. او هنگام مرگ ۶۰ سال داشت.

محمد جراحی از سنین بسیار پایین بعنوان کودک کار، فقر و استثمار و رنج و محرومیت را عمیقاً لمس کرد. به همین دلیل وقتی که از طریق دوستانش با کمونیسم و سوسیالیسم آشنا شد، با تمام وجود خود را سوسیالیست و ضد سرمایه داری میدانست و تا آخر عمر فعالانه علیه آن مبارزه کرد. او یک کارگر آگاه و رزمنده و جسور بود که خطرات راهی که انتخاب کرده بود را بخوبی میدانست. او پنج سال در زندان جمهوری اسلامی بدون یک روز مرخصی فشار و شکنجه و محدودیت را تحمل کرد و خم به ابرو نیاورد. وقتی در دادگاه جمهوری اسلامی رئیس این دادگاه یکی از اتهامات او را سوسیالیست بودن

اعلام کرد او گفت "بله من چپ و سوسیالیست هستم. ما از حقوق مردم دفاع میکنیم. مثل شما رانت خوری نمیکنیم. مثل شما رشوه نمیخوریم. سوسیالیست یعنی کسی که از حقوق کارگران و مردم دفاع میکند". در پاسخ به تعرضاتی که در این دادگاه به او شد به رئیس دادگاه که نام فامیلش "حمله ور" بود گفت "واقعاً سزاوار این نام هستی!"

نام محمد جراحی برای همه کارگران آگاه نامی دوست داشتنی و آشناست. او چند ماه بعد از آزادی از زندان از حزب کمونیست کارگری تقاضای عضویت کرد و با توجه به سابقه طولانی مبارزه و فعالیت چپ و کارگری اش بعنوان کادر حزب پذیرفته شد. او در یک مصاحبه کوتاه گفت اگر امیدی برای رهایی طبقه کارگر از شر سرمایه داری وجود داشته باشد این حزب است.

محمد جراحی فعال مبارزه با

اطلاعیه در مورد حمله به نیروهای نظامی

جمهوری اسلامی در اهواز

متحدانه و سراسری توده مردم علیه فقر و نابرابری و بیحقوقی، که اعتصاب عمومی شکوهمند مردم کردستان علیه اعدام و علیه تعرض قرارداد رژیم بدنبال این واقعه تلاش خواهد کرد از یکسو فضای پلیسی-امنیتی را در خوزستان و در کل جامعه تشدید کند و از سوی دیگر بر تفرقه افکنی و نفرت پراکنی های قومی-ملی-مذهبی دامن بزند. اما این تلاشها در برابر جنبش انقلابی و حق طلبانه و متحدانه توده مردم بجائی نخواهد رسید. مردم ایران مدتهاست در اهواز و تهران و سنج و تبریز و قم و مشهد و در سراسر ایران با شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم عزم جزم خود را برای سرنگون کردن حکومت اعلام کرده اند. آینده جامعه را نه تحركات ارتجاعی نیروهای قومی-مذهبی در اپوزیسیون و نه سرکوبگریهای جمهوری اسلامی بلکه مبارزات

چه باشد این حرکت عملاً مانده ای آسمانی برای حکومت بحران زده ای است که از هر طرف در محاصره اعتراضات و مبارزات توده مردم قرار دارد. رژیم بدنبال این واقعه تلاش خواهد کرد از یکسو فضای پلیسی-امنیتی را در خوزستان و در کل جامعه تشدید کند و از سوی دیگر بر تفرقه افکنی و نفرت پراکنی های قومی-ملی-مذهبی دامن بزند. اما این تلاشها در برابر جنبش انقلابی و حق طلبانه و متحدانه توده مردم بجائی نخواهد رسید. مردم ایران مدتهاست در اهواز و تهران و سنج و تبریز و قم و مشهد و در سراسر ایران با شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم عزم جزم خود را برای سرنگون کردن حکومت اعلام کرده اند. آینده جامعه را نه تحركات ارتجاعی نیروهای قومی-مذهبی در اپوزیسیون و نه سرکوبگریهای جمهوری اسلامی بلکه مبارزات

بنا به گزارشها امروز ۳۱ شهریور در اهواز گروهی از افراد مسلح به صف رژه نیروهای نظامی جمهوری اسلامی حمله کرده و دهها نفر را کشته و شمار زیادی را زخمی کرده اند.

نیروهای نظامی جمهوری اسلامی جزئی از دستگاه سرکوب و آدمکشی حکومت هستند و رژه آنها در شهرها تلاشی برای برخ کشیدن قدرت این دستگاه سرکوب است، اما حمله مسلحانه اخیر نه تنها به مبارزات مردم علیه حکومت و نیروهای سرکوبگرش ربطی ندارد بلکه عملاً حرکتی در مقابل جنبش انقلابی مردم است.

تا کنون به گزارش خبرگزاریها هم نیرویی با عنوان "مقاومت ملی اهواز"، که گروه قوم پرست الاحواز جزئی از آنست، و هم گروه فوق ارتجاعی داعش مسئولیت این حمله را بعهده گرفته اند. اما واقعیت هر

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید